

گفتاری راجع به غربت
حضرت ولی عصر (عج)

دوازده سخن عزیزت

دکتر علی بهرانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● ۱۲ قرن غربت

-
- ۱۲ قرن غربت ● مولف: دکتر علی هراتیان ● ناشر: شهاب الدین ● چاپ: گلها
 - نوبت چاپ: ششم (اول از این ناشر) زمستان ۸۶ ● شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه
 - قطع: رقعی ● تعداد صفحات: ۸۸ صفحه ● بهاء: ۱۰۰۰ تومان
-

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۵-۲۹-۸

☐ مرکز پخش:

پخش مبین: دفتر مرکزی: ۷۸۳۵۷۲۷-۰۲۵۱ همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۲۷۴۰ - ۰۹۱۲۵۵۱۶۶۷۳

دوازده قرن غربت

پیرامون غربت و مظلومیت

امام محمد علی بن عبد الله عاقر

دکتر علی سلیمان

تقدیم ہے،

ساحت مقدس عثمی بزرگوار امام زمان
، ارواح فداہ، حضرت زینب کبریٰ علیہا السلام

فهرست مطالب

سپیده‌ی سخن ۷

گفتار اول

تبیین غربت امام عصر عجل الله فرجه

حکایت غربت ۱۱

گفتار دوم

ابعاد غربت امام عصر عجل الله فرجه

دوران غیبت، دوران غربت امام عجل الله فرجه ۲۱

دوران غیبت، دوران تنهایی امام عجل الله فرجه ۲۷

سال‌های غیبت، روزگار کناره‌گیری و عزلت امام عجل الله فرجه ۲۹

دوران غیبت، دوران مصیبت و صبر امام عجل الله فرجه ۳۱

دوران غیبت، دوران اضطرار امام عجل الله فرجه ۳۵

دوران غیبت، دوران حبس امام عجل الله فرجه ۳۶

دوران غیبت، دوران خوف امام عجل الله فرجه ۳۹

دوران غیبت، دوران مظلومیت امام عجل الله فرجه ۴۲

دوران غیبت، دوران انتظار امام عجل الله فرجه ۴۵



دوران غیبت، دوران استضعاف امام علیه السلام ۴۶

دوران غیبت، دوران فراموش شدن امام علیه السلام و غفلت شیعه ۴۸

اتهامی نابخشودنی! جلوه‌ای دیگر از غربت امام علیه السلام ۵۰

گفتار سوم

چه باید کرد؟

راهکارهایی برای یاد و ذکر امام عصر علیه السلام در جامعه ۷۴

سرود غربت ۸۶





سپیده‌ی سخن

تبیین غربت و مظلومیت امام عصر علیه السلام نه در بضاعت صاحب این قلم است و نه در صلاحیت او و این نوشتار کوتاه نیز به رسم ادای وظیفه به رشته‌ی تحریر درآمده است.

به یقین اگر ابعاد غربت حضرت صاحب الزمان علیه السلام (آن گونه که هست) توسط اهل فن بیان گردد، دل‌های شیعیان و محبتین اهل بیت علیهم السلام هر چه بیشتر به سوی آن حضرت متوجه خواهد شد و آن موقع است که همگان برای رفع غربت از امام خویش و یاری آن حضرت مصمم خواهند شد و از درگاه خداوند متعال، ظهور نورانی ایشان را طلب خواهند کرد و خود را آماده‌ی یاری منجی عالم بشریت و جان فشانی در راه اهداف آن بزرگوار خواهند نمود و البته در این میان توجه به یک نکته ضروری است:

مبادا سخن گفتن از غربت آخرین حجّت الهی و بازمانده‌ی همه‌ی انبیا و اولیای خداوند، عظمت آن عزیز را در اذهان خوانندگان تحت الشعاع قرار دهد.

همواره باید متوجه این معنا باشیم که در این عصر و زمانه حضرت مهدی علیه السلام، صاحب دین خداست. قرآن به سوی ایشان هدایت می‌کند و مقام تأویل و تبیین و تفسیر واقعی قرآن نیز انحصاراً به ایشان تعلق دارد. اوست که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند. دست



خداست، چشم خداست، وجه خداست، زبان خداست، راه و طریق خداوندی است، حجت و خلیفه‌ی خداست.

ولایتش شرط قبولی اعمال است و اگر ولایتش نباشد خداوند هیچ عملی را از هیچ کس نخواهد پذیرفت. به واسطه‌ی اوست باران می‌بارد؛ درختان میوه می‌دهند و به ثمر می‌نشینند؛ نهرها جاری است؛ خلائق روزی می‌خورند و نفس می‌کشند.

افلاک و کهکشان‌ها به گردوی می‌چرخند. به خاطر اوست که آسمان بر زمین فرو نمی‌افتد و زمین اهلش را فرو نمی‌برد.

آری! ما سخن از مظلومیّت امام زمان علیه السلام به میان می‌آوریم و دوران غیبت را دوران غربت، صبر، انتظار، مصیبت، خوف امام و... می‌دانیم؛ اما فراموش نمی‌کنیم که در عین حال و هم اکنون این ولی مظلوم خدا حافظ اسرار پروردگار، نجات بخش مخلوقات، پناه مردم و همه‌ی موجودات است و برجسته‌ترین ویژگی ایشان نیز آن است که بنده‌ی خداست، بلکه هم اکنون بهترین بنده‌ی خداست و هیچ کس هم چون او خدا را بندگی نمی‌کند و بندگی دیگران نیز تنها و تنها به شرط ولایت او قبول درگاه حق - تعالی - واقع می‌شود و دقیقاً به همین دلیل است که صبورانه و مظلومانه مصائب، رنج‌ها و محنت‌های دوران غیبت را تحمل می‌نماید و غریبانه، چشم انتظار صدور فرمان الهی است تا به اذن خدا، از کنار کعبه ظهور کند و جهان را پس از آن که از ظلم و ظلمت آکنده شده است مالا مال از عدل و نورانیت بنماید.

امید آن که خداوند باقی مانده‌ی غیبت آن عزیز را به آبروی حضرت سیدالشهدا علیه السلام بر ما ببخشد و همگی با عافیت دوران ظهور آن حضرت را درک کنیم و از بهترین یاری کنندگان حضرتش باشیم.



حکفتار اول

تسین عزیزت امام عصر علیه السلام

حکایت غربت

آقای من؛

مولای غریب من؛

ای مسافر بیابان‌های تنهایی؛

مضطرّ فاطمه علیها السلام؛

اسیر آل محمد علیهم السلام؛ پدر مهربان اهل عالم؛

می‌خواهم غربتت را حکایت کنم؛ غربتی که دوازده قرن است ریشه
دوانیده؛ غربتی که اشک آسمان و زمین را جاری ساخته؛ غربتی که حتی
برای برخی محبتانت، غریب و ناشناخته است؛ غربتی که اجداد طاهرینت
پیش از تولد تو بر آن گریسته‌اند.

متحیرم کدامین مصراع از این مثنوی «هفتاد من کاغذ» را باز خوانی
کنم؟ کدام سطر، کدام صفحه و کدام فصل از مجلدات این کتاب قطور را
باز نویسم؟

من از تصویر این غربت و غم ناتوان‌ام.

از کجا آغاز کنم؟ از خود بگویم یا از دیگران؟ از نسل‌های گذشته
بگویم یا از نسل امروز؟ از دوستان شکوه‌کنم یا از دشمنان؟ از عوام گلایه
کنم یا از خواص؟



از آنانی بگویم که خاطر شریف تو را می آزارند؟^۱ از آن‌ها که دستان پدران و مهربانت را خونریز معرفی می‌کنند؟ از آن‌ها که چنان برق شمشیرت را به رخ می‌کشند که حتی دوستانت را از ظهورت می‌ترسانند؟ از آن‌ها که تو را به دور دست‌ها تبعید می‌کنند؟ از آن‌ها که تو را دست‌نیافتنی جلوه می‌دهند؟ از آن‌ها که به نام تو مردم را به دگه‌های خویش فرا می‌خوانند؟ از آن‌ها که همواره بر طبل نومیدی می‌کوبند و زمان ظهورت را دور می‌پندارند؟ از آن‌ها که تو را آن‌گونه که خود می‌پسندند - و نه آن‌گونه که هستی و می‌خواهی - نشان می‌دهند؟ آن‌ها که غیبت را به منزله‌ی «نبودنت» تلقی می‌کنند؟

مولای من ... گویا همه چیز، دست به دست هم داده است تا شما در غربت بمانید! لشکریان ابلیس هم روز و شب در کارند. نمی‌دانم چه کسانی واقعاً تو را و ظهور تو را می‌خواهند؟ خدا می‌داند و تو! اما این را می‌دانم که پس از گذشت دوازده قرن از شروع غیبت، هنوز پیروز این میدان، ابلیس و لشکریان انس و جن اویند که در کشاکش غیبت و ظهور، شب‌ظلمانی غیبت را تا هم‌اکنون امتداد داده‌اند.

از خود آغاز می‌کنم که اگر هر کس از خود شروع کند، امر فرج اصلاح خواهد شد.

می‌خواهم به سوی تو برگردم. یقین دارم بر گذشته‌های پُر از غفلتم کریمانه چشم می‌پوشی؛ می‌دانم توبه‌ام را قبول می‌کنی و با آغوش باز مرا می‌پذیری؛ می‌دانم در همان لحظه‌ها، روزها و سال‌های غفلت هم، برایم دعا می‌کردی. من از تو گریزان بودم؛ اما تو هم چون پدری مهربان، دورادور مرا زیر نظر داشتی ... العفو ... العفو!

۱. رک: احتجاج ۲: ۲۸۹ (توقیع خطاب به محمد بن علی بن هلال کزخی).



این شکایت را به کجا بریم که نه تنها بی خبران دور از آبادی، حتی برخی مؤمنان و مقدّسان نیز شنیدن از غربت حضرت بقیة الله علیه السلام را تاب ندارند؟! خدایا! عجب حجاب ضخیمی؟ چه غربت عجیبی!!؟

آری! شاید گفتن از غربت امام عصر ارواحنا فداه کمی عجیب و غریب به نظر برسد! احتمالاً برخی خواهند پرسید: مگر امام زمان علیه السلام هم غریب است؟ شاید برخی دیگر، به کار بردن این گونه تعابیر را فاقد مبنای اعتقادی و از موضع احساس و برخاسته از ذوقیات نویسنده بدانند. شاید برخی نیز اساساً طرح چنین موضوعاتی را خارج از عرف تلقی کرده و آن را نپسندند؛ چرا که ما به طور معمول، از غربت سایر ائمه علیهم السلام مطالب زیادی شنیده و می شنویم.

مولای متقیان حضرت علی علیه السلام را به حق، اول مظلوم عالم می دانیم. هر ساله در ایام فاطمیّه، به یاد مصائب و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام اشک ماتم می ریزیم و باید هم این گونه باشد.

به هر مناسبت و در هر مصیبتی، بر مظلومیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت مکرّمش می گرییم و باید بگرییم.

شنیدن نام قبرستان بقیع، غم و اندوه را بر دل هایمان می نشاند.

بر غربت امام موسی بن جعفر علیه السلام در سیاه چال های بغداد اشک غم از دیدگان جاری می کنیم.

با تمام وجود، امام رضا علیه السلام را «غریب الغریبا» می خوانیم.

امام دهم و یازدهم را «عسکریّین» لقب داده ایم؛ حاکی از آن که این دو پیشوا تمام عمر را در پادگان خلفای عباسی محصور و تحت نظر بودند و مگر مظلومیتی بالاتر از این قابل تصوّر است؟

... اما به غربت امام زمان علیه السلام کم تر اندیشیده یا اصلاً فکر نکرده ایم و این



خود، اولین بیت از این مثنوی «هفتاد من کاغذ» است. ناآگاهی از غربت امام عصر علیه السلام یا باور نداشتن غربت آن جناب یا غفلت از این غربت، اولین وجه از «غریبی» امام زمان است.

مولای من؛ آرزو داشتم مرا عبدالمهدی می نامیدند.
دوست داشتم از همان اول، اذان عشق تو را در گوشم زمزمه کرده بودند.

ای کاش از ابتدا مرا برای تو نذر کرده، حلقه‌ی غلامی‌ات را بر گوشم افکنده بودند!

ای کاش کامم را با نام تو بر می داشتند و جرز تو را همراهم می کردند!
مهدی جان! دوست داشتم با نام نامی تو زبان باز می کردم. ای کاش آن اوایل که زبان گشودم. نزدیکانم مرا به گفتن «یا مهدی» و می داشتند!

ای کاش مهد کودکم، مهد آشنایی با تو بود. کاشکی در کلاس اول دبستان، آموزگارم، الفبای عشق تو را برایم هجی می کرد و نام زیبای تو را سرمشق دفترچه‌ی تکلیفم قرار می داد.

در دروه‌ی راهنمایی، هیچ کس مرا به خیمه‌ی سبز تو راه‌نمایی نکرد.
در سال‌های دبیرستان، کسی مرا با تو - که مدیر عالم امکان هستی - پیوند نزد.

در کتاب جغرافی ما، صحبتی از «ذی طوی» و «رضوی»^۱ نبود.
در کلاس تاریخ، کسی مرا با تاریخ غیبت، غربت و تنهایی تو آشنا نساخت.

۱. «ذی طوی» کوهی است نزدیک مکه، سر راه تنعیم و «رضوی» کوهی در غرب مدینه. در دعای ندبه می‌خوانیم: «کاش می‌دانستم ... در کدام سرزمین اقامت می‌کنی؟ آیا در رضوی یا غیر آن یا در ذی طوی؟»



در درس دینی، به ما نگفتند «باب الله» و «ذیان دین»^۱ حق تویی.
دریغ که در کلاس ادبیات، آداب ادب و ورزی به ساحت قدس تو را
گوش زد نکردند!

افسوس که در کلاس نقاشی، چهره‌ی مهربان تو را برایم به تصویر
نکشیدند!

چرا موضوع انشای ما، به جای «علم بهتر است یا ثروت»، از تو و از
ظهور تو و روش‌های جلب رضایت تو نبود؟! مگر نه بی تو، نه علم خوب
است و نه ثروت؟

کاش در کنار زبان بیگانه، زبان گفت و گو با تو را نیز - که آشناترین و
دیرین‌ترین مونس فطرت‌های بشر است - به ما می‌آموختند! ای کاش -
وقتی برای آموختن یک زبان خارجی به زحمت می‌افتادم - به من
می‌گفتند: او تمامی زبان‌ها و گویش‌ها و لهجه‌ها... و حتی زبان پرندگان را
می‌داند و می‌شناسد.^۲

قطب شمال و جنوب جغرافیایی و قطب مثبت و منفی آهن ربا و



۱. در زیارت آل یاسین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَذِيَانِ دِينِهِ».

۲. ابو هاشم جعفری، از یاران امام علی التقی علیه السلام، نقل می‌کند: خدمت آن حضرت مشرف شدم. امام علیه السلام به زبان هندی سخن گفت و من نتوانستم به خوبی پاسخ دهم. در پیش روی آن حضرت سطل کوچکی بود که پر از سنگ‌ریزه بود. امام هادی علیه السلام یکی از سنگ‌ریزه‌ها را برداشت و در دهان مبارک خود نهاد و مقداری آن را مکید. سپس آن را به من مرحمت فرمود. آن را در دهان گذاشتم. به خدا قسم، از نزد آن حضرت برنخاستم مگر این که به هفتاد و سه زبان می‌توانستم سخن بگویم که یکی از آن‌ها هندی بود. القطره ج ۱ ص ۶۷۵ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب ۴: ۴۰۸ و کشف الغمّة ۲: ۳۹۷.

اباصلت نیز می‌گوید: حضرت رضا علیه السلام با مردم به زبان خودشان صحبت می‌کرد... پس از تعجب من فرمود: «ای اباصلت، من حجّت خدا بر مردم و خداوند کسی را حجّت قرار نمی‌دهد که زبان آن‌ها را نداند...» بحار الأنوار ۲۶: ۱۹۰.

خواص آن‌ها را شناختم؛ اما ندانستم که قطب عالم امکان، تو هستی و چرا
تو را به این صفت می‌نامند:

«السَّلامُ عَلَیْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ.»^۱

با مثبت بی‌نهایت و منفی بی‌نهایت در ریاضیات آشنا شدم. آن زمان
کسی از این مفاهیم، برایم مصداق عینی ترسیم نکرد. بعدها متوجه شدم
که شما خاندان، اصل و منشأ همه‌ی زیبایی‌ها و سرچشمه‌ی تمام خوبی‌ها
و معدن همه‌ی خیرات عالم هستید و بر عکس، دشمنان شما منشأ هر چه
ظلمت، رذالت، دنائت و پلیدی در عالم هستند.

در زنگ شیمی - وقتی سخن از چرخش الکترون‌ها به دور هسته‌ی اتم
به میان می‌آمد - اشارتی کافی بود تا من بفهمم تمام عالم هستی و
ماسوی الله به گرد وجود شریف تو می‌چرخند.

ای کاش در کنار انواع و اقسام فرمول‌های پیچیده‌ی ریاضی، فیزیک و
شیمی، فرمول ساده‌ی ارتباط با تو را نیز به من یاد می‌دادند.

یادم نمی‌رود از کتاب فارسی، حکایت آن حکیم را که گذارش به
قبرستان شهری افتاد. او با کمال تعجب دید، بر روی همه‌ی سنگ‌قبرها،
سنّ فوت‌شدگان را ۳، ۴، ۷ سال و مانند آن نوشته‌اند. پرسید: آیا اینان
همگی در طفولیت از دنیا رفته‌اند؟ گفتند: این جا، سنّ هر کس را معادل
سال‌هایی از عمرش که در پی کسب علم بوده است محاسبه می‌کنند.

کاش آن روز دبیر فارسی ما گریزی به حدیث معرفت امام^۲ می‌زد و

۱. صحیفه مهدیه: ۵۸۱ (زیارت حضرت بقیة الله علیه که در مشکلات و سختی‌ها خوانده
می‌شود)

۲. حدیث شریف «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» که از احادیث بسیار
مشهور و معتبر است و شیعه و سنی بر تواتر آن تصریح کرده‌اند.



می گفت که در تفکر شیعی، حیات حقیقی در توجه به امام عصر علیه السلام و معرفت و محبت و مودت او و مهم تر از آن برائت از دشمنان او معنا می شود.

درس فیزیک، قوانین شکست نور را به من آموخت؛ ولی نفهمیدم «نور خدا» تویی و مقصود از «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»^۱. از سرعت سرسام آور نور (۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه) برایم گفتند؛ اما اشاره نکردند شعاع دید امام معصوم تا کجاست و نگفتند امام در یک لحظه می تواند تمام عوالم و کیهکشان ها را از نظر بگذراند و از احوال همه ی ساکنان زمین و آسمان باخبر شود.

وقتی برای کنکور درس می خواندم، کسی مرا برای ثبت نام در دانشگاه معرفت و محبت امام زمان علیه السلام تشویق نکرد. کسی برایم تبیین نکرد که معرفت امام نیز مراتب دارد و خیلی ها تا آخر عمر در همان دوران طفولیت یا مهد کودک خویش در جامی زنند.

نمی دانستم که عناوینی هم چون دکتر، مهندس، پروفیسور و... قراردادهایی در میان انسان هاست که تنها به کار کسب ثروت، قدرت، شهرت و منزلت اجتماعی و گاهی خدمت در این دنیا می آید؛ اصلاً در این وادی نبودم.

از فضای نیمه بسته ی مدرسه، وارد فضای باز دانشگاه شدم. در دانشکده وضع از این هم اسفبار تر بود. بازار غرور و نخوت پُرمشتری بود و اسباب غفلت، فراوان و فراهم. فضا نیز رنگ و بو گرفته از «علم

۱. (خدا هر کس را بخواهد به طرف نور خویش هدایت می کند)، قسمتی از آیه ی ۳۵ از سوره ی نور که در حدیث شریف، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به امام عصر علیه السلام تاویل فرموده اند. (تفسیر برهان ۴: ۷۲ ح ۷۶۴۳)



زدگی» و «روشن فکر مآبی!» خیلی‌ها را گرفتار تب مدرک‌گرایی می‌دیدم. علم آن چیزی بود که از فلان کتاب مرجع اروپایی یا فلان مجله‌ی آمریکایی ترجمه می‌شد؛ از علوم اهل بیت علیهم‌السلام، دانش یقین‌بخش آسمانی، کم‌تر سخن به میان می‌آمد!

مولای من! در دانشگاه هم کسی برایم از تو سخن نگفت؛ پرچمی به نام تو افراشته نبود؛ کسی به سوی تو دعوت نمی‌کرد؛ هیچ استادی برایم اوصاف تو را بیان نکرد. کارکرد دروس معارف اسلامی و تاریخ اسلام، جبران کسری معدّل دانش‌جویان بود! نه این که از تبلیغات مذهبی، نشست‌های فرهنگی، نماز جماعت، اردوهای سیاحتی زیارتی، مسابقات قرآن و نهج البلاغه و... خبری نباشد... کم و بیش یافت می‌شد؛ اما در همین عرصه‌ها نیز تو سهمی نداشتی و غریب و مظلوم و «از یادرفته» بودی.

پس از فراغت از تحصیل نیز، اداره‌ی زندگی و دغدغه‌ی معاش، مجالی برای فکر کردن راجع به تو برایم باقی نگذاشت!

اینک اما، در عمق ضمیر خود، تو را یافته‌ام؛ چندی است با دیده‌ی دل تو را پیدا کرده‌ام؛ در قلب خویش گرمای حضورت را با تمام وجود حس می‌کنم؛ گویی دوباره متولد شده‌ام. تعارف‌بردار نیست. زندگی بدون تو - که امام عصر و پدر زمانه‌ای - «مردگی» است و اگر کسی هم چون من، پس از عمری غفلت به تو رسید، حق دارد احساس تولّدی دوباره کند؛ حق دارد از تو بخواهد از این پس او را رها نکنی و در فتنه‌ها و ابتلائات آخرالزمان از او دست‌گیری؛ حق دارد به شکرانه‌ی این نعمت، پیشانی ادب بر خاک بساید و با خدای خود زمزمه کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ».



گفتار دوم

ابعاد عزبت امام عصر
علیه السلام

در ادعیه، زیارات و روایات رسیده از پیشوایان معصوم علیهم السلام تعبیر عجیبی راجع به غربت و مظلومیت امام دوازدهم علیه السلام به چشم می خورد و چنان تکان دهنده است که ذهن انسان را به این واقعیت نزدیک می کند که غریب غریبان، به ویژه در این دوران، وجود مقدس قطب عالم امکان حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه است.

اینک به مروری بر آیات و روایات مرتبط با موضوع می پردازیم.

دوران غیبت، دوران غربت امام علیه السلام

برخی به غلط تصور می کنند که حضرت بقیة الله علیه السلام در دوران غیبت در مکانی خوش آب و هوا، زیر درختی پرمیوه و در کنار نهری خروشان! روزگار به خوشی و آسایش می گذرانند و غمی بر دل و دردی بر سینه ندارند و همانند ما دست روی دست گذاشته اند تا زمانی که خداوند اجازه ی ظهور به ایشان عطا فرماید (و البته شاید تا دو هزار سال دیگر هم حضرت نیایند!!!) واقعیت جز این است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اصبع بن نباته فرمودند:



«صاحب هذا الأمر الشريد الطريد الفريد الوحيد»^۱

«(امام) عهده دار این امر (حضرت مهدی علیه السلام) همان رانده‌ی آواره‌ی
بی کس تنهاست.»

غربت صاحب زمان افسانه نیست!

روایات ما شباهت آن سرور با حضرت یوسف علیه السلام را «زندانی شدن»
بر شمرده‌اند. در دوران غیبت، گویا امام عصر علیه السلام در زندان گرفتار
شده‌اند.

دوران غیبت، دوران غربت امام است. دوران مظلومیت، انزوا،
تنهایی، دل شکستگی و گریه‌های طولانی اوست. دورانی است که آن
حضرت باید از شهرها فاصله بگیرد و در مکان‌های پنهان دور از ظالمان
زندگی کند. صاحب زمان و مالک زمین است؛ اما باید به طور ناشناس در
میان مردم رفت و آمد کند. نظاره گر غصب حق خویش است، شاهد
رنج‌ها و مصائب پیروان خویش است، خون اجداد طاهرینش بر زمین
مانده است.



آری؛ دوران غیبت دوران صبر و انتظار امام است. دورانی است که
خار در چشم و استخوان در گلو مأمور به سکوت و خانه نشینی است؛
زیرا حکومتی که حق امام است در اکثر نقاط جهان در چنگ دشمنان اهل
بیت علیهم السلام است، حتی عتبات عالیات و سامرا که محل تولد و زندگی و
خانه‌ی ملکی امام است در اشغال غاصبان و دشمنان است.

ما که به اندازه‌ی سر سوزنی از اخبار پیدا و پنهان جهان اطلاع نداریم و
مهربانی و رقت قلبمان نیز با رحمت امام که «رحمة للعالمین» و اقیانوس
بی‌کران عطوفت و رحم و بخشش است قابل مقایسه نیست، با دیدن و

شنیدن اخبار گوشه و کنار جهان و ظلم و ستم و جنایت گردن‌کشان و قدرت‌های حاکم جهان و استغاثه‌ی مظلومان و مستضعفان و بی‌گناهان، از خود بی‌خود می‌شویم و غم تمام وجودمان را فرا می‌گیرد پس حال امام چگونه است؟ در حالی که بر تمام حوادث عالم اشراف کامل دارد، صدای همه را می‌شنود و اشک مظلومان را می‌بیند؛ اما دستانش بسته است.

تأسف‌بارتر آن‌که شیعیانش، او را فراموش کرده‌اند. «هل من معین» اش را پاسخ نمی‌گویند، برای فرجش دعا نمی‌کنند و بسیاری از آن‌ها سرگرم مال و منال و مقام و لذات زودگذر دنیا گردیده، به خواسته‌های امام خویش بی‌توجه هستند و چه بسا با گناهان خود قلبش را می‌آزارند و اشکش را جاری می‌کنند.

هزار و یک صد و هفتاد سال است که مهدی فاطمه علیها السلام شب‌ها را به تهجد و عبادت تا به صبح بیدار است؛ به گونه‌ای که رخسار مبارکش به زردی گراییده است. دوازده قرن است که هر صبح و شام، طلوع و غروب خورشید را نظاره می‌کند. صدها سال است که بی‌صبرانه منتظر بیداری انسان‌ها به ویژه شیعیان و صدور فرمان الاهی ظهور است. تعجب این جاست که چرا بشر او را نمی‌خواهد؟ چرا شیعیانش آن‌گونه که باید یادش نمی‌کنند و برای ظهورش دعا نمی‌کنند؟

بشریت راضی شده است که به زندگی فلاکت‌بار توأم با درد، بیماری، جنگ، فقر، ظلم، تسلیحات کشتار جمعی، بمب‌های اتمی و... ادامه دهد، اما زیر بار ولایت امام معصوم نرود. چنگیزها، صدام‌ها، هیتلرها، دیکتاتورها، خون‌خواران تاریخ بر او مسلط شده‌اند؛ اما هیچ‌گاه با اختیار و انتخاب خویش منجی موعود انبیا که سراسر نور، خیر، رحمت، برکت و رشد و کمال است را طلب نکرده است.



به راستی شرط عقل چیست؟ انسانی را فرض کنید که در حال غرق شدن است و یا تمساح‌هایی خطرناک و وحشی در آب به او حمله ور شده‌اند. نجات غریق مهربانی بدون هیچ گونه چشم‌داشت، با به زحمت انداختن خویش قصد یاری و نجات او را دارد؛ اما آن فرد حاضر نشود دست خود را به طرف آن منجی مهربان دراز کند؛ بالجاست و غرور و تکبر، خویش را به هلاکت می‌اندازد؛ اما به سوی آن یگانه منجی‌اش نمی‌رود.

هم‌اینک بشریت، آن انسان در حال غرق شدن است. تمساح‌ها، فتنه‌های آخرالزمان و گرگ‌های انسان‌نمایی هستند که امروزه در اکثر جهان حکومت می‌کنند و جز منافع استکباری خویش چیز دیگری نمی‌شناسند و آن نجات غریق مهربان و منجی دلسوز، حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام است که دست نجات‌بخش خود را به سوی ما و مردم عالم دراز کرده است (در حالی که او هیچ نیازی به ما ندارد و فقط قصد نجات و سعادت ما را دارد) و ماییم که حتی حاضر نیستیم کم‌ترین زحمتی به خود بدهیم و برای فرجش دعا کنیم. آیا وقت آن نرسیده است که از این خواب غفلت بیدار شویم و دیگران را نیز بیدار کنیم؟



امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در روایتی، امام عصر علیه السلام را حتی پس از ظهور در بین دوستانش غریب معرفی نموده و دوران باشکوه ظهور را این چنین توصیف می‌نماید:

«خداوند قومی را می‌آورد که آن‌ها را دوست می‌دارد و آن‌ها نیز او را دوست می‌دارند و کسی که در میان آن‌ها غریب است بر آن‌ها حکومت می‌کند؛ همه‌ی ممالک اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره‌ی خود اداره می‌کند. روزگار با او سازگار می‌شود، پیر و جوان از او فرمان می‌برند، زمین آباد شده و پر رونق

می شود. به وسیله‌ی مهدی، عالم خرم و سر سبز می شود. فتنه‌ها ناپود و خیر و برکت فراوان می گردد.»^۱

یکی از نویسندگان در تبیین غربت امام زمان علیه السلام می نویسد:

«غربت و تنهایی اقسامی دارد و هر یک را درجاتی از رنج به دنبال است؛ گاهی انسان از شهر و دیار خود بیرون می رود به میان جمعی که با آنان آشنایی ندارد، این تنهایی او را آزار می دهد؛ اما همین حالت اگر در شهر و محل سکونت برای او پیش بیاید، رنجش دو چندان است، چرا که انتظار آن است انسان در شهر خود آشنایی داشته باشد تا دل تنگ نگردد و به رنج نیفتد. هر چند این دایره تنگ تر گردد، بار غربت سنگین تر و غم آن جان کاه تر می شود.

اوج این رنج آن جاست که انسان در میان همسر و فرزندان خود یعنی در خانه‌ی خویش دچار تنهایی شود که این بسیار محنت زاست. فرد تأمین معاش اعضای خانواده‌ی خود را عهده دار باشد و در انجام این امر به جد بکوشد؛ اما آنان نه تنها از در سپاس و تشکر از او بر نیایند، بلکه اساساً وی را تحویل نگرفته و محلی از اعراب برای وی قائل نباشند. سهل است که اصلاً فراموش کنند که آب و نان ایشان را چه کسی تأمین می کند و بابتی خبری بخورند و بیاشامند و برخیزند و به کنجی خزند. من این حالت را «غربت خانگی» نام نهاده‌ام...

به ناگاه به یادم آمد از بزرگ مردی الهی که او نیز در میان ما به غربت خانگی سختی دچار آمده است که بار سنگین آن، قامت را خم نموده و بر دوش بسی گران می آید... این عزیز نه در میان دشمنان که در جمع دوستان، غریب و تنها افتاده است... و یادم آمد از دو لقب او که در روایات

۱. روزگار رهایی ۲: ۶۰۸ به نقل از منابع المودة ۳: ۵۳۱.



آمده و حضرتش را «طرید» و «شرید» نام نهاده‌اند.

آری او از میان مردم رانده شد و راهی عرصه‌های هجر و فراق شد و به دامن غربت و تنهایی افتاد. مردم غافل، ولی نعمت خود را از یاد بردند. چه بسیار که بر کنار سفره‌ی پر نعمت او نشستند و گفتند و خوردند و برخاستند؛ اما حتی یک بار هم از او نامی نبردند و یاد خیری از او نکردند... او تنهاست و غربتش از نوع سخت‌ترین غربت‌ها یعنی غربت خانگی است...»^۱

آری؛ غربت امام عصر علیه السلام ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. هستند افرادی که با نام آن حضرت به نان و نوایی رسیده‌اند! اعتبار و شهرت و جاهتی کسب کرده‌اند، دم از محبت و چشم‌انتظاری او می‌زنند، به دوستی با آن حضرت تظاهر می‌کنند، به نام آن حضرت کتابی نوشته یا مجله‌ای و یا مؤسسه‌ای به راه انداخته‌اند؛ اما با رفتار و کردار خود قلب شریف آن حضرت را جریحه دار و اشکش را جاری می‌کنند.

وقتی از امام صادق علیه السلام راجع به علت قیام (ایستادن) هنگامی که لفظ «قائم» - که از القاب حضرت حجت علیه السلام است - برده می‌شود، سؤال شد آن حضرت فرمودند:

«به این جهت که برای ایشان غیبتی است طولانی و از شدت رأفتی که آن حضرت به دوستانش دارد به هر کسی که او را به این لقب یاد نموده نظری کند که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد.»^۲

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز فرموده‌اند:

۱. جلوه‌های غربت، اصغر صادقی: ۱۳-۱۱.

۲. صحیفه مهدیه: ۱۰۸؛ به نقل از تنزیه الخاطر.



«قائم این امت نهمین فرزند من است که او صاحب این امر (غیبت)

است و میراثش تقسیم می شود در حالی که او زنده است.»

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«به پروردگار علی سوگند! حجّت خدا در میان آنان است. در کوچه و بازار ایشان گام بر می دارد؛ بر خانه های آنان وارد می شود؛ در شرق و غرب عالم به سیاحت می پردازد؛ گفتار مردمان را می شنود؛ بر اجتماعات ایشان وارد می شود و سلام می دهد؛ او مردمان را می بیند در حالی که او دیده نمی شود...»^۱

دوران غیبت، دوران تنهایی امام علیه السلام

گفته شد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف اوج غربت و مظلومیت فرزند غایب خود فرموده اند:

«(امام) عهده دار امر (نجات انسان ها) همان رانده ی آواری بی کس و تنهاست.»^۲

در روایت مشابهی، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند:

«... هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنِ أَهْلِ الْمُؤْتَوْرِ»^۳

بأبیه...»^۴.

۱. غیبت نعمانی: ۷۲، بحار الأنوار ۷۲: ۲۸.

۲. بحار الأنوار ۵۱: ۱۲۰.

۳. «مؤتور» به کسی می گویند که ولی و صاحب خونی است که به ستم ریخته شده و او خواهان قصاص است؛ ولی هنوز انتقام نگرفته است. بدین روست که در زیارت نامه ها، حضرت سیدالشهدا علیه السلام «الوثر المؤتور» خوانده می شود؛ زیرا هنوز انتقام خون پاک آن مظلوم و یاران حضرتش گرفته نشده است.

۴. کمال الدین ۲: ۳۶۱ (باب ۳۴، ح ۴).



«او (حضرت مهدی علیه السلام) آن غریب تنهای دور از وطن غایب از دیدگان کسان خویش است که هنوز انتقام خون پدرش گرفته نشده است...».

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ.^۱»

«سلام بر تو ای امام تنها.»

کسی از حضرت سیدالشهدا علیه السلام پرسید: آیا صاحب این امر شماست؟

فرمودند:

«نه (من نیستم)؛ صاحب این امر کسی است که از میان مردم

کناره گیری می کند و به سرزمین های دور دست می رود و او

خواهان تقاص خون پدر است.»^۲

متأسفانه این غربت و تنهایی امام زمان علیه السلام تا زمان ظهور، امتداد

خواهد یافت؛ چنان که مولای متقیان فرموده اند:

«مهدی ما (از تولد تا زمان ظهور) تنها، یگانه و غریب خواهد

بود.»^۳

امام صادق علیه السلام نیز در مورد کیفیت ظهور امام عصر علیه السلام به مفضل

می فرمایند:

«ای مفضل، او تنها ظهور می کند؛ به تنهایی وارد مسجدالحرام

می شود؛ به تنهایی به دامن کعبه دست می یازد؛ تاریکی شب همه

جا را فرا می گیرد و او هم چنان تنهاست...»^۴

۱. زیارت اول حضرت بقیة الله علیه السلام در سرداب مقدس، صحیفه مهدیه: ۶۱۹.

۲. همان: ۳۱۸.

۳. مکیال المکارم ۱: ۱۲۹.

۴. بحار الأنوار ۵۳: ۷.



آری، تولد آن حضرت مانند حضرت موسی علیه السلام مخفیانه و غریبانه صورت گرفته است و از همان لحظه‌ی تولد، فرعونیان زمانش قصد به شهادت رساندن حضرتش را داشتند.

بسیار تأثرآور است که خاندان امامت ناچار بودند ولادت خاتم الأوصیاء علیه السلام را حتی از عمویش پوشیده نگه دارند. در دوران غیبت، زندگی آن جناب مخفیانه و غریبانه است؛ به هنگام ظهور نیز به تنهایی و در غربت به مسجدالحرام خواهند آمد.

سال‌های غیبت

روزگار کناره‌گیری و عزلت امام علیه السلام

حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«صاحب این امر را، به ناگزیر، غیبتی است و در دوران غیبت، باید از مردم کناره‌گیری کند و چه جایگاه خوبی است مدینه!»^۱

توصیه‌ی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در بستر بیماری و در آستانه‌ی شهادت، به فرزند خویش این بود:

«... پسر من؛ بر تو باد جاهای نهان و دور. همواره در جاهای دور دست و پنهان زندگی کن که هر یک از دوستان خدا دشمنی خطرناک و مخالفی مزاحم دارند...»^۲

امام زمان علیه السلام نیز در بیان سفارش پدر خویش چنین فرموده‌اند:

«به درستی که پدرم (امام حسن عسکری علیه السلام) با من عهد کرده‌اند که جز مخفی‌ترین و دورترین جای زمین، وطنی نگیرم تا امر خود

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۴۵.

۲. بحار الأنوار ۵۲: ۳۵.



را پوشیده سازم و به خاطر وجود نیرنگ‌های گمراهان و
منحرفان، جایگاه خویش را از فتنه‌های امت‌های گمراه محفوظ
بدارم.»^۱

سیدالسادین امام علی بن الحسین علیه السلام نیز درباره‌ی امام عصر علیه السلام
فرموده‌اند:

«در قائم ما علیه السلام، شش نشانه از شش پیامبر هست ... نشانه‌ی او از
حضرت نوح علیه السلام عمر طولانی اوست؛ نشانه‌ی او از حضرت
ابراهیم علیه السلام تولد پنهانی و کناره‌گیری او از میان مردم است.
نشانه‌ی او از حضرت موسی علیه السلام خوف و غیبت اوست. نشانه‌ی او
از حضرت عیسی علیه السلام اختلاف مردم در حق اوست. نشانه‌ی او از
حضرت ایوب علیه السلام، فرج بعد از شدت اوست و اما نشانه‌ی او از
حضرت خاتم علیه السلام قیام وی به شمشیر است.»^۲



هم‌اکنون هزار و صد و هفتاد سال است که آن بزرگوار، غایب از
دیده‌ها و به صورت ناشناس در سرزمین‌های دوردست سکنی گزیده‌اند
و جهان و جهانیان عموماً از فیض حضور در آستان ایشان بی بهره‌اند. البته
می‌توانیم با توبه و دعا برای ظهور حضرتش، به این مظلومیت ایشان و
محرومیت خود خاتمه دهیم.

از این روست که در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

«چه قدر برایم سخت و دشوار است که مردم را ببینم ولی تو -
محبوبم - را نبینم؛ و حتی هیچ صدای پنهان و صحبت آرامی نیز
از تو نشنوم.

برای من سنگین است که مردم و مخلوقات دیده شوند؛ ولی تو

۱. کمال الدین ۲: ۴۴۷ (باب ۴۳، ح ۱۹).

۲. المَحَجَّةُ الْبِيضَاءُ ۴: ۳۳۸.

دیده نشوی . برای من سنگین است که دشمنان تو را احاطه کرده باشند!»^۱

از روایات استفاده می شود که در دوران غیبت، عده‌ای از اوتاد در محضر امام عصر ارواحنا فداء هستند و اوامر را اجرا و تا حدی از وجود مقدسش رفع غربت می کنند و اگر عمر یکی از آنها به سر آید، دیگری جانشین او می شود. حضرت خضر علیه السلام نیز مونس دوران تنهایی و عزلت آن حجّت مولود الاهی است؛ چنان که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند:

«خضر علیه السلام از آب حیات خورده است و لذا او زنده است و تا دمیدن صور نخواهد مُرد. او همواره پیش ما می آید و بر ما سلام می کند. ما صدای او را می شنویم ... خداوند به وسیله ی او، رنج غربت را از قائم علیه السلام در زمان غیبت خواهد زدود و با مانوس بودن با وی (قائم علیه السلام) او را از تنهایی و غربت رهایی خواهد بخشید.»^۲

دوران غیبت

دوران مصیبت و صبر امام علیه السلام

اگرچه هم اکنون حضرت ولی عصر ارواحنا فداء معصوم ترین، شایسته ترین، برگزیده ترین، عالی مقام ترین، داناترین، مهربان ترین، و دوست داشتنی ترین آفریده ی خداوند و حجّت زنده ی حق تعالی در میان مخلوقات است؛ اما در عین حال تنهاترین، مظلوم ترین، غریب ترین، دل شکسته ترین، رنج کشیده ترین، کم یاورترین و شکیباترین پیشوای روی زمین است.

۱. زیارت اول حضرت بقیة الله علیه السلام در سرداب مقدس، صحیفه ی مهدیه : ۶۲۳.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۸۰؛ حیاة القلوب ۱: ۲۸۵.



امام محمد باقر علیه السلام به عبدالله بن دینار فرمودند:

«ای عبدالله؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر آن که در آن روز برای آل محمد علیهم السلام حزن و اندوه تازه می شود... برای این که اهل بیت علیهم السلام حَق خودشان را در دست دیگران می بینند.»^۱

در دعایی که به نام «دعای معرفت در زمان غیبت» مشهور است از حضرت ولی عصر علیه السلام با عنوان «الصَّابِرِ الشَّكُورِ الْمُجْتَهِدِ» یاد شده است. یعنی آن حضرت «شکیبا در بلاها و مصائب، شکرگزار و مجاهد و تلاشگر» است و در حدیث شریف لوح خداوند - تبارک و تعالی - در توصیف حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می فرمایند:

«وعلیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب».

«حضرت مهدی علیه السلام کمال موسی، درخشندگی عیسی و صبر ایوب را داراست.»

صاحب کتاب شریف «مکیال المکارم» پس از استناد به مطلب فوق می نویسد: و چه خوش گفته اند:

فَحُزْنِي مَا يَعْقُوبُ بَثًّا أَقْلَهُ وَ كُلُّ بَلَاءِ أَيُّوبَ بَعْضُ بَلِيَّتِي

«اندوهی که من دارم کم ترین مقدارش را یعقوب نداشت و همه ی بلای ایوب قسمتی از ابتلای من است.»

زیرا که انواع بلا در آن حضرت جمع شده و طولانی شدن آن موجب شدت مصیبت و ابتلا می باشد. ساعتی بیندیشید حقیقت مطلب برایتان روشن می شود.^۲

۱. اقبال الأعمال: ۱۵۸۲ به نقل از صحیفه سجادیه.

۲. ترجمه مکیال المکارم ۱: ۱۷۹ (صبر آن حضرت).



هم ایشان در بیان شباهت‌های امام عصر علیه السلام با حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌گویند:

«... مصیبت آن دو بزرگوار، سخت‌ترین مصیبت‌هاست، اما مصیبت امام حسین علیه السلام که در گفت‌وگوی آدم و جبرئیل آمده که گفت: ای آدم؛ این فرزند تو به مصیبتی دچار می‌شود که مصیبت‌ها در کنار آن کوچک خواهد بود و اما قائم علیه السلام از این جهت که مصیبتش طولانی و محنتش شدید است.»^۱

یکی از شیفتگان حضرت ولی عصر علیه السلام در عالم کشف و شهود خدمت حضرت بقیة الله علیه السلام مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می‌بیند. از حال آن بزرگوار سؤال می‌کند. حضرت می‌فرماید:

«دلم خون است. دلم خون است.»^۲

به گوشه‌ای از مصائب آن حضرت در دوران غیبت توجه کنید: «از یکی از بزرگان که به قول او اعتماد دارم شنیدم، ریاضتی است که هر کس، آن ریاضت را به اتمام رساند می‌تواند واقعه‌ی عاشورا را ببیند. روی قواعد علمی هم این قضیه درست است چون تمام آن وقایع، موجود می‌باشد و از بین نرفته است. روح به وسیله‌ی آن ریاضت مخصوص، اتصال پیدا می‌کند و می‌بیند.

برای صاحبان آن ریاضت، همه‌ی حوادث عاشورا دیده می‌شود، غیر از یک قسمتش. آن چه برای احدی قابل رؤیت نیست یک فاصله‌ی زمانی می‌باشد که سه ساعت است.

آن سه ساعت از همگان مستور است. آن سه ساعت از وقتی است که

۱. ترجمه مکالمات المکارم ۱: ۳۲۹.

۲. حکایت غربت: ۱۴۶.



حضرت سیدالشهدا علیه السلام از اسب پیاده شدند تا هنگامی که قُضی الامر، که بعد از شهادت حضرتش، رسول خدا صلی الله علیه و آله خون امام حسین علیه السلام را به عرش بردند و بر استوانه‌ی عرش نهادند که بر اثر آن تا قیام قیامت عرش می‌لرزد. هیچ کس تحمل دیدن آن سه ساعت را ندارد و این فاصله‌ی زمانی برای احدی قابل مشاهده نیست.

... امام زمان علیه السلام هر روز صبح و غروب، خود آن منظره را می‌بیند. این وضع زندگی ولی عصر علیه السلام است. امتحان او، این امتحان است و مهم‌تر این که در آن خانه‌ی خاصی که امام زمان علیه السلام آن جا می‌نشیند، بالای سرش پیراهن حضرت سیدالشهدا علیه السلام آویخته شده و این پیراهن باید هم چنان باشد تا وقتی که خون تازه از آن ریخت بدانند هنگام ظهورش فرارسیده است.

صبر امام زمان علیه السلام چنین صبری است. تمام مظالم را دیدن، همه‌ی جنایات را مشاهده نمودن و در عین حال با آن رقت قلب، دندان سر جگر گذاشتن. تردیدی نیست که امام زمان علیه السلام در زیارت اولیاء خدا سیر می‌کند و برای او حجابی هم نیست؛ زیرا کسی که وجود به سبب او برپاست محجوب نمی‌باشد.

بر مزار حضرت امیر مؤمنان علیه السلام آن منظره است. قبرستان بسقیع آن منظره است. کربلا آن منظره است. تمام این‌ها برای امام عصر علیه السلام مجسم است. وقتی خلخال از پای دخترکی یهودی کشیده می‌شود امیر مؤمنان علیه السلام آن گونه فرمایش می‌کنند! امام زمان علیه السلام چه صبری دارد! ^۱



دوران غیبت، دوران اضطرار امام علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیهی شریفهی «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ...» فرمودند:

«این آیه در حقّ (حضرت) قائم علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند، او همان مضطری است که هر وقت دو رکعت در مقام (مقام ابراهیم در مسجد الحرام) بگزارد و خدای را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب و اندوهش را دور فرماید و او را در روی زمین جانشین قرار دهد.»^۱

امام محمد باقر علیه السلام نیز می فرمایند:

«به خدا سوگند او (حضرت مهدی) مضطری است که خداوند در حقّ او می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ ...»^۲

از این روست که در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟»

«کجاست مضطری که وقتی (خدای را) بخواند، دعایش اجابت شود؟»

در شرح این جملهی دعا گفته اند:

کسی که دارای مقام و مرتبه باشد البته وظایف و مأموریتی به عهدهی او محوّل می شود. او وقتی می تواند مأموریت محوّل را انجام دهد که مانع و رادعی در میان نباشد که اگر دیگران مقام او را غصب نموده باشند و او را از انجام وظایف محوّلش باز دارند و قدرت بر اخذ حقّ خود و انجام مأموریت را نداشته باشد و از بسیاری دشمن و جهات دیگری نتواند خود

۱. تفسیر قمی ۲: ۱۲۹.

۲. غیبت نعمانی: ۹۵.



را و مأموریتی که بدو محوّل شده معرفی کند، البته چنین کسی مضطرّ خواهد بود.

کدام اضطرار سخت تر و مهم تر از این است که حجّت خدا و مبلّغ قرآن و احکام الاهی باشد و ببیند رؤسا و حکام جور و مردم منافق هوا پرست چگونه می خواهند احکام قرآن را تغییر دهند و سنن و آداب پیامبر ﷺ را بردارند و دین اسلام را مسخ کنند و یاران و علاقه مندان او را هم مورد اذیت و آزار قرار دهند و شکنجه و اعدام نمایند؟!^۱

در دعای معروفی که نخستین سفیر آن حضرت به خواندن آن سفارش کرده است، چنین می خوانیم:

«تو - ای پروردگار من - کسی هستی که مصیبت و بدحالی را رفع می کنی و انسان به اضطرار رسیده را - آن گاه که تو را بخواند - اجابت می کنی و از گرفتاری و اندوه رهایی می بخشی. پس ناراحتی و پریشان حالی را از ولیّ خویش رفع کن.»^۲



دوران غیبت، دوران حبس امام علی

در برخی روایات، صراحتاً از «زندانی شدن» امام علی در دوران غیبت سخن به میان آمده است و در برخی موارد از سیاق کلام معصوم می توان زندانی بودن امام علی را برداشت کرد؛ چنان که امام محمد باقر فرمودند:

«صاحب این امر چهار نشانه از چهار پیامبر دارد: نشانی از حضرت موسی، نشانی از حضرت عیسی، نشانی از حضرت یوسف، نشانی از حضرت محمد.»

نشانه اش از حضرت موسی وحشت و نگرانی اوست.

۱. شرحی بر دعای ندبه‌ی علوی طالقانی: ۲۵۳.

۲. جمال الأسبوع: ۳۱۹.

نشانه‌اش از حضرت یوسف علیه السلام زندانی شدن اوست. نشانی‌اش از حضرت عیسی علیه السلام اختلاف مردم در حق اوست که می‌گویند: مرده است و برخی می‌گویند: نمرده است. نشانه‌اش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر اوست.^۱

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز فرمودند:

«نهمین فرزند من نشانی از حضرت یوسف علیه السلام و نشانی از حضرت موسی بن عمران علیه السلام دارد...»^۲

از این روست که ائمه‌ی معصومین علیهم السلام در دعاهای خویش برای «خلاصی» امام عصر ارواحنا فداه دعا می‌کردند.

امام صادق علیه السلام - در دعای مفصلی که برای روز عاشورا قرائت فرموده و آن را به یکی از اصحاب خویش به نام عبدالله بن سینان تعلیم داده‌اند - خدای را چنین می‌خوانند:

«...اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ
وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ وَالْمُضْلِينَ وَالْكَافِرَةَ
الْجَاهِدِينَ...»^۳

«... خدایا؛ در فرج آل محمد علیهم السلام تعجیل فرما و درود خود را برایشان قرار ده و آنان را از دست منافقان و گمراهان و کافران عنود نجات بخش...»

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

«... شباهت آن حضرت (امام عصر علیه السلام) به یوسف علیه السلام آن است که

۱. الإمامة والتبصرة: ۹۴.

۲. المحجة البيضاء: ۴: ۳۳۸.

۳. بحار الأنوار ۱۰۱: ۳۰۵؛ صحیفه مهدیه: ۲۴۱ - ۲۴۷.



همان طور که خداوند کار او را (با خواب دیدن پادشاه مصر و تعبیر یوسف و خلاصی اش از زندان) یک شبه درست کرد، امر فرج و ظهور حضرتش را هم یک شبه اصلاح خواهد کرد.^۱

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده است:

«وَ خَلَّصَهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ»^۲

«خدایا؛ حضرت مهدی علیه السلام را از دست جباران نجات عنایت فرما.»

در توقیع شریف خطاب به شیخ مفید نیز، امام عصر ارواحنا فداه تعبیر «فَمَا يَخْبِتُنَا» را بکار برده‌اند و دلیل حبس و دوری خویش را از شیعیان، کردارهای ناخوش آیند آنان دانسته‌اند.

تو ای زندانی زندان غیبت دعا کن طی شود دوران غیبت
به آنهایی که مشتاق ظهورند چو سالی بگذرد هر آن غیبت

اگر یکی از عزیزان ما توسط عده‌ای ربوده شود و یا بدون جرم و گناهی به زندان بیافتد چه حالی پیدا می‌کنیم؟ آیا دست روی دست می‌گذاریم و برای آزادی‌اش هیچ حرکت و اقدامی انجام نمی‌دهیم؟ آیا درست است که بگوییم هر وقت خدا بخواهد از زندان آزاد خواهد شد و ما باید به زندگی خودمان مشغول باشیم؟ یا این که برعکس، انواع و اقسام نذرها و توسلات را انجام می‌دهیم، به دیگرانی که گمان می‌بریم نزد خداوند آبرویی دارند التماس دعا می‌گوییم، به هر دری می‌زنیم، وقت و پول خود را صرف می‌کنیم...

به راستی چه تعداد از شیعیان زندانی بودن مولایشان را با تمام وجود حس می‌کنند؟ چه تعداد از شیعیان باور دارند که امام و پیشوای آنها

۱. کمال الدین ۱: ۳۲۹ (باب ۳۲، ح ۱۲).

۲. زیارت چهارم حضرت بقیة الله علیه السلام، صحیفه‌ی مهدیه: ۶۳۴.



هم اکنون در زندان غیبت گرفتار است و از این مسأله در رنج و ناراحتی است؟ آیا به فکر مصائب امام خویش در زندان غیبتش هستیم؟ چه قدر برای رهایی ایشان دعا کرده ایم؟ چه قدر برای خلاصی ایشان از مال و جان و وقت خویش مایه گذاشته ایم؟

با کمال تأسف باید بگوییم غفلتی سخت ما را فرا گرفته است. مؤلف «مکیال المکارم» با استناد به روایتی که شباهت امام عصر علیه السلام را با حضرت یوسف علیه السلام زندانی شدن ایشان می داند، می نویسد:

«می گویم: ای دوست پیرو خاندان عصمت، از این بیان عبرت گیر و در عظمت مصیبت و محنت مولایت اندیشه کن که دنیا با همه ی فراخی و زمین با همه ی پهناوری اش برای او زندان شده به طوری که از ستم معاندین و مخالفانشان ایمن نیست... یوسف چند سالی در زندان ماند. ای کاش می دانستم که چه قدر در این زندان غیبت به سر خواهد برد و کی بیرون خواهد آمد؟»^۱

دوران غیبت، دوران خوف امام علیه السلام

گفتیم که حضرت سیدالساّجدين علیه السلام در بیان شباهت های امام عصر ارواحنا فداه با انبیا، شباهت آن حضرت با حضرت موسی علیه السلام را «خوف و غیبت» آن بزرگوار بر شمرده اند.^۲

امیر مؤمنان علیه السلام در سخن با کمیل، بدو می فرمایند:

«... اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهراً
مَشهوراً وَإِلَّا خَائِفاً مَغْموراً»^۳

۱. ترجمه مکیال المکارم: ۲۷۳/۱.

۲. المحجة البيضاء ۴: ۳۳۸.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹.



«... خدایا؛ آری (مسلم است که) هرگز زمین از کسی که دین خدا را به
حجت برپا می‌دارد تهی نمی‌ماند؛ خواه آشکار و شناخته شده باشد،
خواه ترسان و نهان از دیده‌ها...»

در برخی روایات صراحتاً درباره‌ی حضرت بقیة الله علیه السلام کلمه‌ی
«خائف» به کار برده شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«حضرت قائم قبل از ظهور غیبتی دارد.»

زراره می‌گوید: من از امام علیه السلام پرسیدم: چرا؟ فرمودند:

«از کشته شدن خویش بیم دارد.»^۱

ابو خالد کابلی می‌گوید: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که نام امام
قائم علیه السلام را به من بگویید تا او را به اسم بشناسم. فرمودند:

«ای ابا خالد؛ راجع به کسی از من پرسیدی که اگر اولاد فاطمه‌ی
زهرا علیها السلام او را بشناسند، از شدت حرص می‌خواهند او را قطعه
قطعه کنند.»^۲

یکی از مصادیق خوف امام علیه السلام، بیم از کشته شدن است. البته این
خوف، اضطراب روانی و حامل معنای منفی ترس نیست؛ بلکه عدم
امنیت است؛ چنان که حضرت موسی علیه السلام به دلیل ناامنی از سرزمین مصر
خارج شد. قرآن در این باره می‌فرماید:

(فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ).^۳

در دعایی که پس از زیارت آل یاسین خوانده می‌شود، امام عصر علیه السلام

۱. کمال الدین ۲: ۴۸۱ (باب ۴۴، ح ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰).

۲. غیبت شیخ طوسی، ح ۲۷۸.

۳. قصص (۲۸): ۲۱.



«المرتقب الخائف» خوانده شده است و در زیارت امام عصر علیه السلام در عصر جمعه در مفاتیح الجنان آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَهْدِيُّ الْخَائِفُ.»

سلام بر تو ای پاک شده‌ی ترسان.

از آن جا که امام عصر علیه السلام ذخیره‌ی الاهی و موعود همه‌ی انبیاست و باید مأموریت‌های بزرگی هم‌چون تحقق عدالت جهانی را در این عالم به انجام رساند، بر حفظ جان خویش مراقب است. در حقیقت ستمگران و جباران اند که عرصه را بر حضور امام علیه السلام تنگ کرده و آن عزیز را به زندگی پنهانی واداشته‌اند؛ زیرا پدران ایشان را یکی پس از دیگری به شمشیر ستم یا زهر جفا به شهادت رسانده‌اند و حضرت مهدی علیه السلام ناچار مکانی دور از ظالمان را برای زندگی برگزیده‌اند. علت این عدم امنیت نیز نداشتن یاور و یاری‌نشدن است.

وجوه دیگری نیز برای خوف امام علیه السلام می‌توان برشمرد؛ به مثل، بیم طولانی‌تر شدن غیبت و تأخیر فرج و نیز خوف آن حضرت برای مؤمنین که در دوران غیبت دچار محنت و مشکلات می‌شوند و احتمال ابتلای آنها به دام‌های شیاطین و انحراف آنها از صراط مستقیم امامت وجود دارد و خداوند وعده فرموده است که:

«وَلَيَبْدُلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.»^۱

شیخ طوسی رحمته الله می‌گوید:

«از چیزهایی که یقیناً سبب غیبت امام علیه السلام است ترس ایشان بر جان خویش است و این را از تهدیدهای ظالمان و جلوگیری



آن‌ها از دخالت در اداره‌ی امور می‌توان فهمید. پس اگر بین امام و اهدافشان فاصله بیندازند در این جا، وجوب قیام به امر امامت از ایشان ساقط می‌شود و وقتی هم که بر جان خویش بترسند لازم است مخفی شوند...»^۱

«... هیچ چیزی مانع از ظهور حضرت نیست مگر آن‌که بر جان خویش می‌ترسند و إلاً اگر غیر از این باشد که نمی‌شد حضرت مخفی شود؛ چون یقیناً ایشان در آن صورت آزارها و اذیت‌ها را تحمل می‌کردند...»^۲

مطالب فوق را علامه‌ی مجلسی رحمته‌الله نیز از ایشان نقل کرده‌اند.^۳
سید مرتضی می‌گوید:

«اما سبب غیبت، تهدیدهای ظالمان نسبت به آن حضرت است و این‌که نمی‌گذارند ایشان در کارهایی از قبیل خلافت و حکومت که مربوط به خودشان است دخالتی کنند. چون زمانی مردم از امام فایده می‌برند که اطاعتش کنند و بگذارند اهداف خود را اجرا کنند.»^۴

دوران غیبت، دوران مظلومیت امام علیه‌السلام

از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که وقتی در آستانه‌ی ظهور، حضرت مهدی علیه‌السلام آن جوان هاشمی را، برای اتمام حجت با اهل مکه، به نزد آنان می‌فرستند، به او می‌فرمایند:

«... به نزد مکّیان برو و بگو: من فرستاده‌ی فلانی‌ام به سوی شما.

۱ و ۲. غیبت شیخ طوسی: ۹۰ و ۳۲۹.

۳. بحار الأنوار ۵: ۱۹۰.

۴. المقنع فی الغیبه: ۵۲.



او به شما می‌گوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و خانواده‌ی (حضرت) محمد ﷺ و از فرزندان پیامبران ایم. ما مظلوم واقع شده‌ایم؛ طرد شده‌ایم. از زمانی که پیامبر ﷺ فوت کرد تا این زمان، حق ما را ضایع کردند. از شما تقاضای کمک داریم. شما هم ما را یاری کنید...»^۱

در روایت دیگری، امام پنجم علیه السلام، سخن رانی امام عصر ارواحنا فداه را در روز ظهور، در کنار کعبه بیان می‌کنند که قسمتی از آن به این شرح است:

«... (ای مردم!) خدا را بر شما شاهد می‌گیرم تا هر کس امروز سخن مرا شنید به غایبان خبر دهد و به حق خداوند و پیامبرش و به حق خودم - زیرا من بر شما حق خویشاوندی رسول ﷺ را دارم - از شما می‌خواهم که ما را یاری نمایید و در برابر کسانی که به ما ظلم کرده‌اند، از ما دفاع کنید؛ زیرا ما را ترسانده و مورد ظلم قرار داده و از خانه‌ها و میان فرزندانمان بیرون رانده و بر ما ستم کرده و حَقمان را باز داشته‌اند و اهل باطل بر ما چیره شده‌اند...»^۲

مرحوم حاج سید اسماعیل شرفی می‌گوید: به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرف گردانند... مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد... پس از سلام، از ایشان سؤال کردم: آقا! شما کیست‌اید؟ فرمودند:

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۳۰۷.

۲. غیبت نعمانی: ۸۱.



«من مظلوم‌ترین فرد عالم‌ام.»^۱

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرموده‌اند:

«... مهدی علیه السلام در عصر خویش مظلوم است. تا می‌توانید، درباره‌ی او سخن بگویید و قلم‌فرسایی کنید. آن چه درباره‌ی شخصیت وی بگویید درباره‌ی همه‌ی معصومین علیهم السلام گفته‌اید؛ زیرا ایشان همه در عصمت، ولایت و امامت یکی‌اند و چون عصر، عصر مهدی علیه السلام است، سزاوار است درباره‌ی او سخن‌ها گفته شود... باز تأکید می‌کنم که درباره‌ی مهدی ما زیاد بگویید و بنویسید. مهدی ما مظلوم است. بیش از آن چه نوشته و گفته‌اند، باید درباره‌اش نوشت و گفت.»^۲

مرحوم میرجهانی می‌گوید: «در عالم رؤیا مادر مظلومه‌ام حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم و ایشان سه بیت شعر فارسی خواندند. وقتی بیدار شدم فقط یک بیت را به یاد داشتم و آن بیت نیز این‌گونه است:

دلی شکسته‌تر از من در آن زمانه نبود

در این زمانه دل فرزند من شکسته‌تر است»^۳

و باز در بیان مظلومیت ایشان پس از ظهور آمده است که وقتی به منبر کوفه می‌نشینند و عهدنامه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌خوانند، تمام افراد از اطراف او می‌گریزند و تنها وزیر او و یازده نفر نقیب باقی می‌مانند. هر چند آن‌ها باز می‌گردند...^۴

۱. صحیفه مهدیه: ۵۸.

۲. همان: ۵۹.

۳. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ۱: ۱۶۰.

۴. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۴، ح ۱۰۹۸، کمال الدین صدوق، باب ۵۸، ح ۲۵.



دوران غیبت، دوران انتظار امام علیه السلام

در احادیث اهل بیت علیهم السلام، امام عصر علیه السلام «منتظر» نیز خوانده شده است. اگر چه آن حضرت «منتظر» یعنی انتظار کشیده شده است و دل‌های مؤمنان، بی‌تاب ظهور و فرج ایشان است، خود آن بزرگوار نیز منتظر صدور فرمان خروج از سوی حق - تعالی - و گشایش در کار دوستان خدا و شیعیان خویش است. یکی از این موارد دعایی است که در روز عید فطر هنگام خروج از منزل برای ادای نماز عید خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ الْمُنْتَظِرِ أَمْرَكَ الْمُنْتَظِرِ لِفَرَجِ
أَوْلِيَائِكَ...».

«خدایا درود بفرست بر ولی خودت که در انتظار امر توست و برای فرج دوستان تو، مورد انتظار.»^۱

بس واضح است که لحظه لحظه‌ی دوران غیبت برای امام عصر علیه السلام با انتظاری سخت و جان‌کاه توأم است؛ خصوصاً آن‌که امام علیه السلام به حوادثی که در عالم می‌گذرد، احوال شیعیان، وضعیت حاکمیت‌ها، ظلم و ستم و کفر و نفاق که در جوامع وجود دارد اشراف کامل دارند و از طرفی در دوران غیبت برای اقامه‌ی عدل و رفع ظلم و ستم «مبسوط الید» نیستند. پس طبیعی است که هر لحظه منتظر صدور فرمان الاهی برای انجام مأموریت خود باشند و از آن‌جا که شرط اساسی برای فرج، آمادگی و خواست مردم و دعای آن‌هاست، می‌توان گفت: امام علیه السلام در دوران غیبت چشم انتظار هوشیاری و بیداری شیعیان‌اند.

دیرپایی دوران غیبت و نهان زیستی امام غایب، پیشوای عدالت

۱. بحار الأنوار ۹۱: ۱۷، به نقل از اقبال الاعمال، البلد الامین و مصباح کفعمی.



امیر مؤمنان علیه السلام را نیز نگران و غمگین ساخته و این گونه ناله‌ی آن حضرت را بلند کرده است که:

«يَا بَنَ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ مَتَى تُنْتَظَرُ؟»^۱

«ای فرزند بهترین کنیزان؛ تا به کی باید انتظار کشید؟»

دوران غیبت، دوران استضعاف امام علیه السلام

یکی از مشهورترین آیات قرآن که در موضوع امام عصر ارواحنا فداه بر سر زبان‌هاست و آن حضرت پس از ولادت بر روی دست پدر بزرگوارشان و نیز در هفتمین روز میلادشان قرائت فرموده‌اند، آیه‌ی ششم سوره قصص است:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

«و ما می‌خواهیم بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم.»

در تفسیر این آیه‌ی شریفه، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است:

«مستضعفین در آیه، آل محمد علیهم السلام اند که خداوند مهدی ایشان را پس از (گذشت دوران) سختی و مشقت آنها، برمی‌انگیزد. پس او آنها را عزت می‌دهد و دشمن آنها را ذلیل و خوار می‌سازد.»^۲

۱. ینابیع المودة (نشر دار الأسوة) ۳: ۴۳۴ (باب ۹۹، ح ۴)، به نقل از کتاب صفین (ابوالحسن

علی بن محمد) مدائنی، به نقل از بشارة الإسلام (چاپ نجف اشرف): ۸۰ (آخر باب دوم).

نیز رک: چشم انداز (نشر آفاق، چاپ دوم): ۱۰۹ به نقل از شرح ابن ابی الحدید.

۲. الغیبة شیخ طوسی: ۱۱۳.



از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است:

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نگاهی به حضرت علی علیه السلام و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام نمود و شروع کرد به گریه کردن و فرمود: شما مستضعفان بعد از من اید.»

مفضل، راوی حدیث، گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: معنای این جمله چیست؟ فرمود:

«یعنی شما امامان بعد از من اید (که ستم می بینید). به درستی که خداوند فرمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» این آیه تا قیامت در خاندان ما جریان دارد.»^۱

«مستضعف» با «ضعیف» تفاوت دارد. ضعیف به معنی «ناتوان» است؛ اما «مستضعف» کسی است که او را ناتوان شمرده باشند. اهل بیت علیهم السلام هیچ‌گاه ضعیف نبوده و نیستند؛ ولی در طول تاریخ همواره توسط طاغوت‌ها «ضعیف شمرده شده» و از حق مسلم خویش محروم گردیده‌اند.

به هر حال آنان که مترصد گشایش در امور مستضعفان جهان اند و حضرت مهدی علیه السلام را «امید مستضعفان» می‌دانند باید این نکته را از یاد نبرند که در رأس همه‌ی مستضعفان، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است و اگر ظهور فرخنده‌ی آن حضرت واقع شود، نجات مستضعفان عالم نیز به وقوع خواهد پیوست.



دوران غیبت ،

دوران فراموش شدن امام علیه السلام و غفلت شیعه

وقتی از امام جواد علیه السلام راجع به جانشینان ایشان سؤال شد به معرفی ائمه‌ی پس از خویش پرداختند و وقتی به نام مبارک امام عصر علیه السلام رسیدند گریه‌ی شدیدی کردند و فرمودند:

«بعد از حسن علیه السلام، پسرش قائم به حق و همان شخصی است که انتظار او را می‌کشند.»

راوی پرسید: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ چرا ایشان قائم نامیده شده‌اند؟ فرمودند:

«لأنه یقوم بعد موت ذکرة و از تعداد اکثر القائلین بامامتہ»^۱
 «زیرا او قیام می‌کند پس از آن که یادش می‌میرد و بیشتر کسانی که به امامتش قائل بودند از این امر بر می‌گردند.»

اگر هدف از خلقت را منحصرأ بندگی خدا آن هم فقط و فقط از طریق معرفت به امام هر زمان و اطاعت از او بدانیم که اعتقاد راسخ شیعه همین است، با یک نگاه گذرا به وضعیت زندگی فردی و اجتماعی امروزمان به عمق فاجعه پی خواهیم برد.

آیا بسیاری از ما مقصد خلقت را فراموش نکرده‌ایم؟ دنیا برایمان به هدف تبدیل نشده است؟ جای اصل و فرع در زندگی‌هایمان عوض شده است؟ آیا این گونه نیست که عملاً برای دنیا اصالت و اعتبار قائل می‌شویم آخرت و معنویت را فرع می‌پنداریم؟ در هر کجا و هر مجلسی که می‌نشینیم سخن از زمین، آپارتمان، مدل‌های جدید اتومبیل و تلفن

۱. اعلام الوری: ۴۱۰، به نقل از یاد مهدی علیه السلام.



همراه و تفریح و لذات و سرگرمی های دنیا است. به چه میزان با امام زمان خویش در ارتباط هستیم؟ در ۲۴ ساعت چه مقدار از وقت خود را به ایشان اختصاص داده ایم؟ چه قدر حاضریم در راه اهداف ایشان از مال و جان خویش مایه بگذاریم؟ آیا آمادگی تسلیم و فرمان برداری از ایشان را در خود ایجاد کرده ایم؟

بسیاری از ما غیبت امام علیه السلام برایمان عادی شده است. جای خالی امام علیه السلام را حس نمی کنیم. احساس نیاز به حضور ایشان در ما موج نمی زند. به غفلت از امام علیه السلام معتاد شده ایم. این هم یک نوع اعتیاد!!!

اعتیاد، گاه در چهره‌ی وابستگی جسمی و روانی به یک ماده‌ی طبیعی و یا شیمیایی هم چون مواد مخدر نمود پیدا می کند و تظاهرات خاصی دارد و عوارض جسمی و زیان‌های مادی و معنوی آن تا بدان حد است که جامعه نیز آن را به عنوان یک معضل و پدیده‌ی مخاطره آمیز به رسمیت شناخته و برای مبارزه با آن برنامه ریزی و تلاش می کند؛ اما آن گاه که یک رفتار غلط و یا یک اعتقاد نادرست در تار و پود یک فرد و یا جامعه‌ای رسوخ نماید، آن هم اگر عوارض غیر محسوس داشته باشد و آخرت را تهدید کند و دین را مورد حمله قرار دهد و دنیا طلبان و شیاطین انس و جن نیز از آن راضی بوده و به آن بیشتر دامن بزنند پیچیده ترین نوع اعتیاد شکل می گیرد؛ به گونه‌ای که طرح آن، ترک آن و ایجاد یک همگانی برای مبارزه با آن امری بسیار مشکل می شود.

آری؛ غفلتی مرگ بار و اعتیادی کشنده راجع به امام عصر علیه السلام در میان بسیاری از ما وجود دارد.



اتهامی نابخشودنی! جلوهای دیگر از غربت امام علیه السلام

شاید شما نیز دیده‌اید اشخاصی را که در ذهن خویش از وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه جز شخصیتی شمشیر به دست که جوی خون به راه می‌اندازد، گردن‌ها می‌زند و از کشته‌ها پشته می‌سازد، ذهنیت و تصویر دیگری ندارند! تأسف بارتر آن که این طرز تلقی و ذهنیت کاملاً اشتباه خود را به دیگران نیز منتقل می‌سازند و سیمای مهربان و عدالت گستر آن حضرت را در اذهان و افکار عمومی مخدوش می‌نمایند و آحاد جامعه را از ظهور آن مهرگستر می‌ترسانند و از دعا برای ظهور ایشان (که تنها و تنها راه نجات است) منصرف می‌دارند!... و این از بزرگ‌ترین جفاها به آن وجود سراسر مهر و شفقت و رحمت است.

حتی برخی از دین‌باوران، از روی مزاح یا عدم توجه به پی آمدهای منفی کلام خویش، از جای شمشیر امام زمان علیه السلام بر روی گردن خود یا دیگران سخن می‌گویند!



در یک برنامه‌ی رادیویی راجع به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گفته شد که در یکی از مدارس تهران، راجع به مسأله‌ی ظهور، نظرسنجی به عمل آمده است. هفتاد درصد دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند که دوست ندارند امام زمان علیه السلام بیاید! و در پاسخ به این سؤال که: چرا به آمدن امام عصر علیه السلام تمایل ندارید؟ گفته‌اند: به خاطر این که اگر امام زمان علیه السلام بیاید، ما را گردن خواهد زد!

این جاست که باید بر غربت امام عصر علیه السلام خون گریست و در این مصیبت، گریبان چاک کرد. آیا غربتی بالاتر از این متصور است؟
امام مهربانی را که نه تنها دوستان و محبتان، که دشمنانش به برکت او

زنده‌اند و نفس می‌کشند و روزی می‌خورند، امام مهربانی را که از پدر دل سوزتر، از مادر مهربان‌تر و از برادر صمیمی‌تر است، امام مهربانی را که قرار است با آمدنش اشکی از گوشه‌ی چشم یتیمی نچکد و کسی رنج گرسنگی نکشد و دردمندی از درد ننال و گرفتاری در حبس نماند و بدهکاری از پرداخت قرض خویش عاجز نباشد و بی پناهی گوشه‌ی خیابان نخوابد و سفره‌ای بدون نان نماند.

امام مهربانی را که بناست انتقام مظلومان و ستم دیدگان تاریخ را بستاند، امام مهربانی را که قرار است غم‌ها را پایان، دردها را درمان و نابه‌سامانی‌ها را سامان بخشد... «شمشیر به دست و خون‌ریز» معرفی کردن، جفایی بزرگ و گناهی نابخشودنی است!

اگر تاکنون تنها از برق شمشیر آن حضرت سخن گفته‌ایم، باید به درگاه خداوند توبه و استغفار آوریم و از ساحت مقدس آن مظهر رحمتِ خداوند متعال، به خاطر این اتهام، عفو و بخشش طلب کنیم. حقیقت این است که وجود مقدس حجة بن الحسن ارواحنا فداء - که خاتم الأوصیاست - هم چون نیایش خاتم الأنبیاء علیه السلام «رحمة للعالمین»^۱ است و از القاب شریف او کاشف البلوی، غوث^۲، رحمة الله الواسعة، کشف و... است. این القاب در روایات، ادعیه و زیارات ایشان به وفور یافت می‌شود.

در زیارت «جامعه‌ی کبیره» - که امام علی بن محمد هادی علیه السلام عالی‌ترین معارف امام‌شناسی را در قالب این زیارت بیان کرده‌اند - اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را معدن رحمت نهایت بردباری و گذشت، اصل و ریشه‌ی

۱. «وَأَكْتَلُ ذَلِكَ بَابِنَهُ م ح م د رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ «و تکمیل می‌کنم آن را به فرزندش م ح م د؛ به

عنوان رحمتی برای همه جهانیان.» (اصول کافی ۱: ۵۲۸ حدیث لوح)

۲. در زیارت آل یس «... وَالغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ».



کَرَم و محبّت، بر طرف کننده‌ی غم‌ها و آسان کننده‌ی سختی‌ها خطاب می‌کنیم.

امام هشتم حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«امام؛ هم‌نشین، هم‌دل، پدر مهربان و برادر یاور است و (همانند) مادر نیکوکار و مهربان نسبت به فرزند خردسال و پناه بندگان خداست.»^۱

در این دوران، خداوند متعال امام زمان ارواحنا فداه را ملجأ و پناه و دادرس بیچارگان و درماندگان قرار داده است. آن پیشوای نجات بخش، به استناد متون روایات، از همه‌ی مردم مهربان‌تر و خوش‌خوی‌تر است. او در زمان ظهور خویش، مشفقانه مردم را به اطاعت از دین حق فرا می‌خواند؛ دانش ژرف کتاب آسمانی قرآن را تعلیم می‌دهد؛ به روشنگری و ارشاد و موعظه در همه‌ی زمینه‌ها می‌پردازد؛ اتمام حجّت می‌کند؛ به نحوی که اگر کسی کم‌ترین آمادگی برای پذیرش حق را داشته باشد، به راه حق هدایت می‌شود و در همین راستا، بسیاری از اهل کتاب دسته دسته به آن حضرت ایمان می‌آورند.

صد البته برای آن که گل‌ها و نهال‌ها رشد کنند، باید علف‌های هرزه و مزاحم را ریشه کن کرد و این جز با داس و تیغ عدالت الاهی ممکن نیست. آری، برای آن که عدالت به کرسی بنشیند باید اریکه‌ی ظلم را واژگون کرد. برای آن که مظلومان و ستم دیدگان تاریخ بتوانند نفس راحتی بکشند، آن دسته از ظالمان که به هیچ صراطی مستقیم نیستند و نصیحت و پند و اندرز نیز در اصلاح آن‌ها مؤثر نیست، باید از سر راه برداشته شوند؛ ولی... تمام واقعیت این نیست.

۱. اصول کافی ۱: ۲۰۰ (کتاب الحجّة، باب نادر جامع فی فضل الإمام و صفاته ۱۵، ح ۱).



هیچ فکر کرده‌اید که چرا آن وجود مقدس را «طاووس اهل بهشت»^۱ خوانده‌اند؟ شاید یکی از لطافت‌های این تشبیه آن باشد که وقتی طاووس پر می‌گشاید، چشم‌ها را خیره می‌کند. آن حضرت نیز - آن‌گاه که ظهور می‌کند - با سیمای ملکوتی و سیره‌ی الهی خویش، دیدگان را خیره و عقل‌ها را حیران خواهد ساخت.

در بخشی از زیارت امام زمان ارواحنا فداه می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ.»

«سلام بر بهاران دل‌ها و طراوت روزگاران.»

در دعای عهد نیز از درگاه خداوند می‌خواهیم که:

«خدایا، به دست او (و با فرج او) شهرهای خود را آباد ساز و
بندگان را حیات راستین بخش.»



آری، امام بهار دل‌ها و جان‌ها و مایه‌ی طراوت و شادابی روزگاران و چشمه‌ی حیات است و حیات واقعی انسان و طبیعت با ظهور مبارک او آشکار می‌شود و آن هنگام است که همگان طعم واقعی حیات و زندگی و آبادانی و راحتی را خواهند چشید. به راستی، اگر این چنین است، آن‌چه ما امروزه زندگی‌اش نامیده‌ایم و به آن دل خوش کرده‌ایم چیست؟

باید اذعان کنیم از خیرات و برکاتی که با ظهور خجسته‌ی آن حضرت در عالم هستی واقع می‌شود بی‌اطلاع‌ایم و نمی‌دانیم با دست باکفایت یوسف گم‌گشته‌ی عالم وجود است که همه‌ی خوبی‌ها، خیرات، کمالات و زیبایی‌ها به بشر هدیه خواهد شد و ارمغان ظهور مسعود حضرتش ایمان و آسایش و امنیت است که بشر، حتی در منخبله‌ی خویش، از ترسیم

آن عاجز است. به روایات زیر توجه کنید:
پیامبر اسلام ﷺ:

«امت من در زمان مهدی علیه السلام از چنان نعمتی بهره‌مند می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است.»^۱

«شما را به مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم که به سوی مردم برانگیخته می‌شود و ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می‌گردند.»^۲

«همه‌ی امت به سوی او پناه می‌آورند؛ هم چون زنبوران عسل که به ملکه‌ی خویش پناه می‌برند. او عدالت را - آن چنان که باید - در پهنه‌ی جهان می‌گسترده تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آن‌ها بر می‌گردد. او خفته‌ای را (بی‌جهت) بیدار نمی‌کند و خونی را (به ناحق) نمی‌ریزد.»^۳

«دل‌های بندگان را از عبادت و اطاعت می‌آکند. عدالت بر همه جا دامن می‌گسترده. خدا به واسطه‌ی او دروغ را ریشه کن می‌کند و خوی درندگی و ستمگری را محو می‌گرداند و طوق ذلت بردگی را از گردن خلائق بر می‌دارد.»^۴

«هیچ کس فقیر نمی‌ماند. مردم برای صدقه‌دادن، به دنبال نیازمند می‌گردند و پیدا نمی‌کنند. به هر که مال را عرضه کنند، می‌گوید: من بی‌نیازم.»^۵

«پرندگان در آشیانه‌های خود شادی می‌کنند و ماهیان دریاها شادمان می‌شوند و چشمه‌ساران می‌جوشند و زمین محصول



۱. منتخب الأثر: ۴۷۳.

۲. جامع أحادیث الشيعة ۱: ۳۴.

۳. منتخب الأثر: ۴۷۸.

۴. بحار الأنوار ۵۱: ۱۰۴.

۵. مسند احمد ۲: ۵۳.

خویش را چندین برابر عرضه می‌کند.»^۱

«ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند. آسمان بارانش را فرو می‌فرستد. زمین گیاهان خود را می‌رویاند تا جایی که زنده‌ها آرزو می‌کنند؛ ای کاش مردگان آن‌ها زنده می‌بودند و آن عدالت را مشاهده می‌کردند!»^۲

«آسمان باران فراوان رحمتش را بر آن‌ها فرو می‌ریزد. زمین چیزی از گیاهانش را در خود باقی نمی‌گذارد و همه را می‌رویاند. در آن روز، ثروت بر روی هم انباشته می‌شود؛ به طوری که هر کس بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می‌فرماید: آن چه می‌خواهی بگیر.»^۳

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام:

«چون مردی از فرزندانم ظهور کند، چنان گشایشی در کار مردم ایجاد می‌شود که حتی مردگان به دیدار یک‌دیگر می‌روند و ظهورش را به هم مژده می‌دهند!»^۴

«در آن عصر، باران بسیار می‌بارد. زمین گیاهان خویش را آشکار می‌سازد. کینه‌ها از دل‌ها برطرف می‌گردد. درندگان و حیوانات آرامش می‌یابند؛ به طوری که یک زن (در امنیت تمام) راه عراق تا شام را می‌پیماید و در همه‌ی این فاصله‌ی دراز، از کثرت آبادانی زمین، گام‌هایش را بروی گیاه می‌گذارد و در حالی که زینت‌ها و زیور خویش را بر سر و رو دارد، هیچ درنده‌ای به او

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۳۰۴.

۲. التشریف بالمنن: ۱۴۶.

۳. عقد الدرر: ۱۹۵، باب ۷.

۴. کمال الدین ۲: ۶۵۳ (باب ۵۷، ح ۱۷).



حمله نمی‌کند و در اثر اطمینان به امنیت موجود، ترسی به دل راه نمی‌دهد.»^۱

امام صادق علیه السلام:

«هنگامی که مهدی ظهور کند، جامه‌ای هم چون جامه‌های امیر مؤمنان علیه السلام بر تن خواهد پوشید و دقیقاً به سیره‌ی آن حضرت عمل خواهد کرد.»^۲

در بعضی روایات آمده است که به برکت تشریف‌فرمایی امام زمان علیه السلام و باسیره و روش آن بزرگ، مردم از فقر و فلاکت نجات می‌یابند و از ثروت دنیا بی‌نیاز می‌گردند. آن حضرت به مردم می‌فرماید:

«بیاید! این همان چیزی است که شما به‌خاطر آن از خویشاوندان خویش می‌بریدید و در راه آن، خون یک دیگر را می‌ریختید و حرمت احکام را می‌شکستید و آن چه را خدای - تبارک و تعالی - حرام کرده بود مرتکب می‌شدید.»



سپس آن قدر ثروت به آن‌ها عطا می‌کند که در دنیا سابقه نداشته و هیچ کس پیش از او چنین نبخشیده باشد.^۳

آن چه از روایات صحیح برمی‌آید، آن است که در زمان ظهور آن مولا، تمام بیماران شفا می‌یابند و کوران بینا می‌گردند. باران به قدر کفایت می‌بارد. جایی در این کره‌ی خاکی نمی‌ماند، مگر این که تمام آن از گل و گیاه سبز و خرم می‌شود؛ گویی مخملی سبز تمام زمین را پوشانده است. تمام درختان میوه‌دار می‌شوند. بدن‌ها سالم و عمرها طولانی و چند صد

۱. مکیال المکارم ۱: ۱۰۱.

۲. بحار الأنوار ۴۷: ۵۴، کافی ۱: ۴۱۱.

۳. غیبت نعمانی: ۳۴۲.

ساله می شود. ایام و سالها ده چندان می شود. کشاورزان از محصولات خویش چندین برابر برداشت می کنند. کینه از دلها می رود و مردم با هم مهربان می شوند. نه تنها عقل انسانها کامل می گردد که درندگی از حیوانات نیز برداشته می شود تا آنجا که «گوسفند و گرگ»، «گاو و شیر» در کنار هم زندگی می کنند. ثروتها آنچنان توزیع می شود و حرص و طمع آنگونه از بین می رود که فقیری برای صدقه دادن پیدا نخواهد شد. کودکان با مارها و عقربها بازی می کنند و از ناحیهی آنها گزند نمی بینند. تمام بدیها از بین می رود و مردم همه از روی اخلاص، خدای متعال را بندگی می کنند و هیچ چیز را با او شریک قرار نمی دهند.

تمام مرزهای جغرافیایی برداشته و همه ی کره ی زمین تحت یک حکومت و قانون اداره می شود. هر کس - در هر زمان که بخواهد - می تواند به مشرق یا مغرب عالم سفر کند و کسی مانع او نخواهد شد ... چرا چنین نباشد؟ مگر نه خداوند تمام موجودات و کائنات را به خاطر این خانواده خلق فرموده است؟ در حدیث شریف کساء، از قول خداوند - تبارک و تعالی - می خوانیم:

«... ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم؛ به راستی که من آسمان بر پا شده را نیافریدم و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را... مگر به خاطر دوستی این پنج تن.»^۱

تذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که مطابق روایات، بیش تر خونریزیها پیش از ظهور واقع می شود که آن هم ظاهراً ناشی از برخوردها و جنگ و رقابت میان قدرت های بزرگ جهان خواهد بود؛

۱. ملحقات مفاتیح الجنان، حدیث شریف کساء.



چنان که حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه، کشتاری است که لحظه‌ای قطع نمی‌شود.»^۱

البته ما در صدد انکار قیام آن حضرت با شمشیر نیستیم؛ چه روایات متعدّد بر این امر تأکید کرده‌اند؛ اما یقیناً تیغ ذوالفقار امام عصر ارواحنا فداه و قوه قهریه‌ی آن جناب مختصّ کسانی است که در طول تاریخ پای بر حلقوم عدالت فشرده‌اند؛ خون مظلومان و بی‌پناهان را به شیشه کرده‌اند؛ به روی اولیای الاهی تیغ کفر و عناد کشیده‌اند و جز زبان شمشیر منطق دیگری نمی‌شناسند.

دلیلی ندارد مردم عادی کوچه و بازار - که برای گذران زندگی روزمره و تأمین معاش به فعالیت و زحمت مشغول‌اند و اگر خطایی از آنان سرزده است، غالباً از سر غفلت و ناآگاهی و فریب‌خوردگی بوده است و ابداً قصد گردن‌کشی در مقابل خداوند و اولیای او را نداشته‌اند - از ظهور امام در وحشت و هراس باشند. از همین روست که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نه تنها اکثریت شیعیان از آن حضرت استقبال خواهند کرد که بیش‌تر مردم جهان بنا به فطرت پاک و الاهی خویش و با مشاهده‌ی سیره و روش و خصال آن بزرگوار، به جانب ایشان متمایل خواهند شد و به آن حضرت ایمان خواهند آورد.

طبیعی است که سردم‌داران شرک و کفر و نفاق و طاغوت‌های عالم باید از شنیدن نام حضرت مهدی علیه السلام بر خویش بلرزند و از ظهور آن حضرت هراسناک باشند؛ همان‌طور که حاکمان بنی‌عبّاس (چونان فرعون که از تولّد حضرت موسی علیه السلام بیم داشت) با کنترل شدید امام

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۱۸۲، به نقل از قرب الاسناد.



یازدهم علیه السلام و تحت نظر گرفتن خانه‌ی امام، در صدد بودند، به خیال باطل خویش، از به دنیا آمدن امام موعود جلوگیری کنند یا آن نوزاد آسمانی را به شهادت برسانند!

در روایات ائمه علیهم السلام به تعبیر مختلف، سخن از «امر جدید» ای است که امام علیه السلام پس از ظهور به همراه می‌آورند و این بیانگر آن است که اسلام حقیقی و اصیل به سبب غیبت امام علیه السلام به دست مردم نرسیده است.

در یک کلاس درس، اگر معلم به هر دلیلی مدتی به کلاس نیاید و کتاب خود را تدریس نکند، آیا منطقی است که پس از حضور مجدد در کلاس، مطالب تدریس نشده را امتحان بگیرد؟ آیا مهربان‌ترین معلم بشریت - که برای نجات همگان و هدایت و تربیت انسان ظاهر خواهد شد - این‌گونه عمل خواهد کرد؟!

درست است که امام با سرکردگان ظلم و شرارت و بانیان این ظلمت، به شدت برخورد خواهند کرد؛ اما اکثریت مردم خود قربانی ظلم این

۱. این هشدار است برای ما تا مبانی امام‌شناسی و پایه‌های معرفتی خود را محکم و جنبه‌ی تسلیم و رضا در برابر امام علیه السلام را در خود تقویت کنیم. یقین داشته باشیم که امام عصر علیه السلام حق مطلق است و آن چه از دلب مبارک ایشان بیرون می‌آید کلام خدا و حقیقت دین است. حق با امام و در امام و به سوی امام است. چه گمراه و شقی‌اند آن کسانی که در زمان ظهور بخواهند با استناد به قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله (البته سنتی که خود ساخته و پرداخته‌ی ذهن بیمار آن‌هاست و نه سنت واقعی) با حضرت ولی عصر علیه السلام به بحث و جدل پردازند!

بنا به روایات، اذیتی که امام علیه السلام از این گونه افراد تحمل می‌کنند از آزار و اذیتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله کشیدند بیش‌تر خواهد بود؛ چون حضرت خاتم الأنبیا صلی الله علیه و آله در شرایطی مبعوث شدند که مردم (با جهالت بسیط) سنگ، چوب و بت می‌پرستیدند؛ ولی این امت ۱۴۰۰ سال است که معجونی از جعل‌ها، تفسیر به رأی‌ها، خرافات، بدعت‌ها و... را به نام اسلام شناخته و به آن عمل کرده‌اند. طبیعی است پذیرش اسلام حقیقی برای بعضی‌ها مشکل خواهد بود.





جنایت‌کاران بوده‌اند و امام علیه السلام آنان را هدایت و ارشاد خواهند فرمود.
 ترس از شمشیر امام علیه السلام خصوصاً در میان جامعه‌ی شیعه بیش‌تر جای
 شگفتی است؛ چرا که هر یک از ما بارها و بارها به وجود مقدّس امام
عصر علیه السلام و سایر ائمّه‌ی طاهرین علیهم السلام متوسّل شده‌ایم و این بزرگواران
 علیرغم داشتن علم به حالات ما و اطلاع از نقاط ضعف و گناهان و
 لغزش‌های ما، کریمانه از ما دست‌گیری کرده و از درگاه خویش نرانده و
 حاجت ما را داده‌اند. با این همه لطف و رحمت، چه جای ترس و وحشت
 از امام معصوم علیه السلام؟

«در شب معراج، خداوند متعال درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام به پیامبر
 خویش فرمود:

«... او حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند. من به وسیله‌ی او،
 از دشمنان خود انتقام خواهم گرفت. با آمدنش، اولیا و مردم
 راحت می‌شوند و دل‌های دردمند شیعیان تو را شفا می‌دهد.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز به ابراهیم کزّخی فرمود:

«ابراهیم، او پس از یک تنگنای شدید و بلای طولانی و ترس و
 وحشت و اضطراب، غم و اندوه شیعیان را می‌زداید.»^۲

آری؛ چگونه باور کنیم آن پیشوای مهربانی که به درگاه خداوند برای
 دوستان خطاکار خویش دعا می‌کند و می‌آید تا دل‌های دردمند شیعیان را
 شفا دهد و غم و اندوه آن‌ها را بزداید، پس از ظهور، آن‌ها را از دم تیغ
 می‌گذرانند؟!!

سید بن طاووس می‌گوید: در سحرگاهی در سرداب مقدّس (سامرا)

۱. بحار الأنوار ۳۶: ۱۴۵.

۲. همان ۵۱: ۱۴۴.

این مناجات را از حضرت صاحب الزمان علیه السلام شنیدم:

«خدایا؛ شیعیان ما از پرتو انوار ما و باقی مانده‌ی طینت ما آفریده شده‌اند. آن‌ها گناهان زیادی به اتکای محبت و ولایت ما مرتکب گشته‌اند. اگر آن گناهان در ارتباط با تو (حقّ الله) است، از آن‌ها درگذر که در این صورت ما را راضی کرده‌ای و اگر میان خود ایشان است (حقّ الناس)، خود بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حقّ ماست به آن‌ها بده تا راضی شویم و آنان را در بهشت وارد ساز و از آتش جهنّم نجات ده و ایشان را با دشمنان ما در عذاب و غضب خود جمع مفرما.»^۱

یقیناً امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به تمامی شیعیان - که فرزندان معنوی ایشان محسوب می‌شوند - عنایت دارند و شواهد زیادی در این خصوص در روایات معصومین علیهم السلام یافت می‌شود. این که فرموده‌اند:

«ما در شادمانی شما شاد و در اندوه شما اندوهگین می‌شویم.»^۲

و فرموده‌ی امام هشتم علیه السلام که:

«هیچ یک از شیعیان ما مریض نمی‌شوند، مگر این که ما نیز در بیماری آنان بیمار می‌شویم و غمگین نمی‌شوند، مگر آن که ما نیز در غم آنان محزون می‌شویم و شادمان نمی‌گردند، مگر این که ما نیز به خاطر شادی آنان شادمان ایم...»^۳

همه گواه این مدعاست.

بی‌گمان، ما در صدد توصیه‌ی گناه و معصیت نیستیم؛ چرا که گناه

۱. بحار الأنوار ۵۳: ۳۰۲ (جنته المأوی، حکایت ۵۵).

۲. بحار الأنوار ۲۶: ۱۴۰ - ۱۴۱، به نقل از بصائر الدرجات.

۳. همان: ۱۴۰ و ۱۵۴، به نقل از بصائر الدرجات و مشارق أنوار الیقین.



شیعیان، خاطر شریف حضرت صاحب الزمان علیه السلام را آزرده خواهد کرد؛ ولی بدیهی است که تمام اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم تراز سلمان و ابوذر و مقداد و همه‌ی یاران و شاگردان امام صادق علیه السلام هم سنگ زراره و هشام بن حکم نبوده‌اند.

در میان محبّین ائمه علیهم السلام هم اهل طاعت و جود داشته است و هم اهل معصیت؛ هم عادل در میان آنان بوده است و هم فاسق. آیا ائمه‌ی اطهار علیهم السلام آن دسته از دوستان و ارادتمندان خویش را که احیاناً گناه و معصیتی از آن‌ها سر زده بود طرد کرده یا از دم شمشیر گذرانده‌اند؟! مسلماً پاسخ منفی است.

حتی از یک جهت، برخی روایات، شیعیان و محبّان امام عصر علیه السلام را بر اصحاب و محبّین سایر ائمه علیهم السلام ترجیح داده‌اند؛ زیرا آن‌ها در زمان حضور ائمه زندگی و محضر آن بزرگواران را درک کرده‌اند و امکان تشرّف و سؤال و جواب و زیارت ایشان برای آن‌ها وجود داشته است؛ اما در زمان غیبت، شیعیان هم چون کودکانی‌اند که پدر مهربان آن‌ها به مسافرت رفته و سایه‌ی پُر مهر او بالای سر آن‌ها نیست.

سید حلاوی^۱ قصیده‌ای سرود و در ضمن آن از گرفتاری‌های شیعیان و درد و رنج و شکنجه و مصائب آن‌ها به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه، شکایت کرده و این قصیده را در چندین مجلس خوانده بود. یکی از او تاد نجف اشرف به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام مشرف شد. آن حضرت به وی فرمودند:

«به سید حیدر بگو: سید؛ این قدر دل مرا مسوزان... کار به دست

۱. سید حیدر بن سید سلیمان جلی (۱۲۴۶ - ۱۳۰۴) از برجسته‌ترین شعرای تاریخ شیعه، حلاوی تلفظ شکسته محلی جلی (منسوب به حله، شهر مشهور عراق) است.

من نیست؛ دست خداست. دعا کنید خداوند فرج مرا برساند.»^۱

نتیجه این که نباید با ایراد اتهام به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام و ارائه‌ی تصویری غیر واقعی و خشن از آن حضرت در اذهان عمومی، دوستان آن حضرت و عدالت خواهان جهان را از ظهور ترسانید. هراس افکنی از ظهور امام توسط شیاطین به نیرنگ و فریب، از کانون خانواده بیرون کشیده به راه خلاف بکشانند و هرگاه که این جوان اراده‌ی بازگشت به دامن خانواده‌ی خویش کند، به او بگویند: اگر برگردی، پدرت تو را تنبیه خواهد کرد یا خواهد کشت!

شیاطین انس، بشریت را از قرار گرفتن در معرض تربیت مستقیم پدر معنوی خویشتن (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) محروم کرده‌اند و بعد برای این که خیال بازگشت به سوی پدر حتی در ذهنش خطور نکند، او را از برق شمشیر وی ترسانده‌اند.

فرض کنید در نقطه‌ای از جهان، مردمی تحت ظلم و ستم قرار گیرند و گروهی بی‌رحم، جان و مال و هستی آن‌ها را مورد تهاجم قرار دهند و مجموعه‌ی شرایط نیز به گونه‌ای باشد که مظلومان و ستم‌دیدگان، قدرت تغییر وضع موجود و حتی امید آن را هم نداشته باشند. اهالی منطقه از دیر باز شنیده‌اند، در کتاب آسمانی خود خوانده‌اند و یقین دارند که سرانجام یک منجی مهربان و دلاوری قهرمان برای نجات آن‌ها و رفع ظلم و بیداد و برقراری عدالت و کوتاه کردن دست متجاوزان خواهد آمد. آیا منطقی است که مردم محروم از آمدن این منجی در هراس باشند؟ یا برعکس باید برای آمدنش لحظه شماری کنند؟

آیا اگر مظلومانی که جانشان بر لب رسیده است بدانند که خداوند -

۱. بحار الأنوار ۵۳: ۳۳۶ (جنة المأوی، الفائدة الثانية).



تعالی - وعده کرده است که دعای آنها در زودتر فرارسیدن زمان ظهور این منجی مؤثر است و در صورتی که مردم دعا کنند و از صمیم قلب برای آمدنش دعا کنند خداوند، او را زودتر خواهد فرستاد، نباید برای آمدنش دعا کنند؟

در کتاب «دعا کلید ظهور» اصولاً یکی از موانع دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام و یکی از دلایل بی توجهی مردم نسبت به این موضوع مهم را «ترس از شمشیر حضرت» بر شمرده، می نویسد:

از میان جفاهایی که دوست و دشمن در طول تاریخ بر وجود مقدس امام عصر ارواحنا فداه روا داشته اند، کم تر موضوعی است که هم چون «شمشیر امام» توانسته باشد به صورت فراگیر بر اذهان عمومی تأثیر بگذارد. مبالغه در ترسیم قهر و غضب امام، پس از ظهور و گردن هایی که زده خواهد شد و جوی های خون که به راه خواهد افتاد، به گونه ای ذهنیت همگان را شکل داده است که حتی لرزه بر اندام دوستان اهل بیت علیهم السلام نیز انداخته است و چگونه می توان از کسی که گمان می کند اگر امام زمان علیه السلام بیاید گردن او را خواهد زد توقع داشت که برای ظهور امام دعا کند و تعجیل در فرجش را از خداوند تعالی درخواست نماید؟

بر همه ی ما فرض است که در راه زدودن این اتهام از چهره ی مهربان آن حضرت و اصلاح نگرش شیعیان گام برداریم که در این صورت یکی از موانع ظهور آن حضرت را از پیش پا برداشته ایم. البته نباید دچار تفریط شویم. از القاب مبارک آن حضرت «قائم بالسیف» است. شکی نیست که ایشان با شمشیر قیام خواهند کرد؛ اما این که چه کسانی طعمه ی شمشیر آن جناب خواهند شد و چه کسانی باید از شمشیر آن جناب بترسند و این که حربه ی شمشیر توسط آن حضرت با چه شرایطی و پس از طی چه



مقدماتی به کار گرفته می شود سخت قابل تأمل است.

آنچه از روایات بر می آید آن است که اغلب جنگ ها و خونریزی ها و کشتارها قبل از قیام امام علیه السلام رخ می دهد و ربطی به ظهور ندارد، بلکه ناشی از تقابل قدرت های مستکبر عالم است همانند آنچه امروز در عراق مشاهده می کنید.

روح روایات حاکی از آن است که هیچ دلیلی ندارد مردم عادی، شیعیان، مخلصین و محبتین آن حضرت از ظهور امام در هراس باشند؛ زیرا ظهور به منزله ی نزول عذاب برای معاندان با اهل بیت علیهم السلام است.

امام محمد باقر علیه السلام از پدران گرامی اش، از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده که آن حضرت در وصف فرزند برومندش حضرت بقیة الله ارواحنا فداء فرموده است:

«او (حضرت مهدی علیه السلام) از همه ی شما بیشتر مردمان را پناه می دهد و از همه ی شما علمش افزون تر و رحمت و لطفش فراگیرتر می باشد.»^۱

به نقل از علامه شیخ حرّ عاملی علیه السلام این روایت، از چهار امام معصوم نقل شده است. وسعت لطف و رأفت آن جناب به عموم مردم تا بدان حدّ است که همگان مانند زنبوران عسل که به پادشاه خود پناهنده می شوند به سوی حضرت مهدی علیه السلام پناه می برند.^۲

به این روایت نیز از امام پنجم علیه السلام توجه کنید:

«سپس (حضرت مهدی علیه السلام) روی به کوفه می آورد و آنجا منزل اوست. پس هر غلام مسلمانی را خریده و آزاد می کند و مقروضی

۱. إثبات الهداة ۷: ۷۵.

۲. الملاحم والفتن، سید بن طاووس: ۱۴۷.



نیست مگر آن که قرضش را ادا می‌کند و مظلومه‌های مردم را رد می‌نماید.^۱

خداوند - تبارک و تعالی - در حدیث شریف لوح، امام عصر علیه السلام را «رحمة للعالمین» و پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خویش را «أشبه الناس برسول الله خُلُقاً و خُلُقاً» یعنی شبیه‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله توصیف کرده است.^۲

دقت در نوع رفتار امام پس از ظهور به درک این معانی کمک شایانی نموده و ما را بیش از پیش به «رحمة للعالمین» بودن امام عصر علیه السلام آشنا تر می‌سازد. وقتی مفضل از امام صادق علیه السلام راجع به نحوه‌ی برخورد امام با اهل مکه سؤال نمود امام علیه السلام فرمودند:

«... آنان را با کلامی حکیمانه دعوت می‌کند و به زیباترین و شیرین‌ترین کلمات آن‌ها را موعظه می‌فرماید. سپس به اطاعت او گردن می‌نهند و امام علیه السلام نیز مردی از خاندان خود را در میان آن‌ها جانشین قرار می‌دهد و از مکه خارج شده به سوی مدینه روانه می‌شود... زمانی که از مکه دور شد اهل مکه علیه جانشین حضرت شورش کرده، بر سر او ریخته و او را شهید می‌کنند. (خبر به امام می‌رسد و) امام باز می‌گردد.

... فیأتونه مهطعین، مقنعی رؤسهم یبکون و یتضرعون و یقولون یا مهدی آل محمد التوبه التوبه فیعظهم و ینذرهم و یحذرهم و یتخلف علیهم خلیفة ...

پس اهل مکه به نزد امام می‌آیند؛ درحالی که از نگاهشان ذلت و

۱. مکیال المکارم ۱: ۱۴۹، بحار الانوار ۵۲: ۲۲۴.

۲. کمال الدین ۲: ۴۰۸.



خضوع هویدا است و سرها را در گریبان شرمندگی فرو برده و گریه می‌کنند و با التماس و زاری می‌گویند: ای مهدی آل محمد علیه السلام توبه کردیم، توبه کردیم. سپس آن حضرت آن‌ها را وعظ نموده، انذار می‌فرماید و از این کار بر حذرشان می‌دارد و دیگری را جانشین قرار می‌دهد...»^۱

ملاحظه می‌کنید که چگونه امام عصر علیه السلام، اهل مکه را که با آن حضرت نیرنگ نموده و یکی از عزیزانش را به شهادت رسانده‌اند، می‌بخشد و تقاضای عفو و بخشش آنان را می‌پذیرد؛ در حالی که به علم امامت می‌داند اینان از کرده‌ی خویش پشیمان نیستند. در برخی روایات آمده است که اهل مکه، سه مرتبه پیمان شکنی می‌کنند و برخلاف عهده‌ی که با امام بسته‌اند و قولی که به ایشان داده‌اند، نماینده‌ی امام را به شهادت می‌رسانند. این جاست که آن حضرت به اصحاب خویش دستور می‌دهند به مکه برگردید و یاغیان اهل مکه را سرکوب کنید؛ اما آن حضرت با اصحابشان همراهی نمی‌کنند. علت را در کلام امام علیه السلام جویا می‌شویم:

«... به سوی اهل مکه بازگردید و از آن‌ها دیّاری را باقی نگذارید، مگر آن کس که ایمان آورد.

فلولا رحمة ربکم وسعت کلّ شيء وأنا تلك الرحمة ...

و اگر نبود که رحمت خدایتان همه چیز را فرا گرفته و من آن رحمت بی‌کران الاهی هستم، حتماً با شما به سوی آن‌ها باز می‌گشتم؛ زیرا عذری که ما بین آن‌ها و خدایشان و من بود قطع نمودند...»^۲

پس امام علیه السلام، اول اتمام حجّت نمودند و فرصت بازگشت و توبه دادند،

۱. إلزام الناصب ۲: ۲۰۶، بحار الأنوار ۵۳: ۱۱.

۲. همان.



سپس دستور برخورد را صادر کردند؛ اما خود به جهت رحم و مهربانی، سپاه خود را همراهی نمی‌کنند.

چهل هزار نفر از سپاهیان سید حسنی معروف به زیدیه که صاحبان قرآن هستند با امام علیه السلام بیعت نمی‌کنند و معجزات آن حضرت را سحر می‌شمارند. امام علیه السلام آن‌ها را موعظه فرموده و تا سه روز آنان را ارشاد کرده، اندرز می‌فرمایند؛ اما نه تنها فایده‌ای نمی‌بخشد بلکه بر کفر و طغیانشان افزوده می‌شود. پس از سه روز امام علیه السلام دستور برخورد با آنان را صادر می‌فرماید.^۱

سفیانی را که یکی از بزرگ‌ترین سفاکان جهان است و دستش به خون اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله و شیعیان آلوده است و مدت‌ها با سپاه امام علیه السلام جنگیده است دستگیر کرده و به محضر امام علیه السلام می‌آورند. در روایتی آمده است:

«... او رو به آن حضرت کرده عرض می‌کند ای عموزاده؛^۲ بر من منت بگذار و حیاتی دوباره به من کرم فرما؛ من نیز شمشیری خواهم بود برای تو و با دشمنانت جهاد خواهم کرد و (حضرت) مهدی علیه السلام در میان یارانش نشسته در حالی که از عذراء باحیاطر است. می‌فرماید: او را رها کنید.

یاران مهدی علیه السلام به حضرتش عرض می‌کنند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ به او زندگی دوباره کرم می‌کنی در حالی که او فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به شهادت رسانده است؟ ما را تحمّل زنده دیدن او نیست.

۱. اثبات الهداة ۷: ۱۸۹

۲. سفیانی از اولاد ابوسفیان است که او نیز از بنی امیه است و هاشم و امیه دو برادر از جناب عبدمناف هستند. از این رو سفیانی، امام علیه السلام را پسرعمو خطاب می‌کند.



پس امام زمان علیه السلام می فرماید: خودتان می دانید با او هر چه می خواهید انجام دهید...»^۱

بر اساس احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام امام عصر علیه السلام پس از ظهور با چند گروه به شدت برخورد خواهند کرد:

۱ - بنیان گذاران ظلم بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله و قاتلان حضرت زهرا علیها السلام به طوری که آن حضرت، دادگاه عدل الهی را در مورد ایشان تشکیل می دهد و در حضور مردم آنها را محاکمه می کند. همچنین آن حضرت انتقام خون انبیای شهید و فرزندان انبیا را که به شهادت رسیده اند می گیرد.

۲ - قاتلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و فرزندان آنها، از آن جهت که به کرده ی پدران خویش راضی هستند.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«... فرزندان قاتلین امام حسین علیه السلام از کرده ی پدران خویش خشنودند و به آن افتخار می کنند و هر کس به چیزی راضی شود، مانند کسی است که آن را انجام داده است و از این جهت اگر مردی در مشرق زمین کشته شود و در مغرب زمین دیگری بر آن قتل راضی باشد نزد خداوند شریک قاتل است و حضرت قائم علیه السلام فرزندان آنها را هنگام ظهورش می کشد، به خاطر رضایتشان از عملکرد پدرانشان.»^۲

۳ - ناصبیان و دشمنان قسم خورده ی اهل بیت علیهم السلام که به فرموده ی امام محمد باقر علیه السلام امام عصر علیه السلام ایمان را بر آنها عرضه خواهند کرد. اگر حقیقتاً ایمان در قلب هایشان داخل شد توبه ی آنها را می پذیرد و در غیر

۱. عقد الدرر: ۱۳۶.

۲. تفسیر کنز الدقائق ۴: ۵۰۳، عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱: ۲۷۳.



این صورت گردن آن‌ها را خواهد زد.^۱

۴ - شیعه‌نمایان یاغی که در لباس اسلام و تشیع! مقابل امام عصر علیه السلام قد علم خواهند کرد و امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«آن‌گاه که قائم ما قیام می‌کند به سوی کوفه حرکت خواهد کرد. پس از کوفه ده هزار نفر مسلح خارج می‌شوند که از فرقه‌ی بُتریه هستند و به او می‌گویند از همان جا که آمده‌ای بازگرد که ما را به فرزندان فاطمه علیها السلام احتیاجی نیست.

در این هنگام شمشیر بر آن‌ها می‌کشد تا آن‌که تمام آن‌ها را هلاک می‌سازد. سپس داخل کوفه می‌گردد و هر منافق مرتابی را می‌کشد و کاخ‌های آن‌ها را خراب می‌سازد و هر که با آن حضرت بچنگد هلاک خواهد فرمود تا آن‌که خداوند عزوجل خوشنود گردد.»^۲



۱. مکیال المکارم ۱: ۹۹.

۲. الإرشاد مفید علیه السلام ۲: ۳۸۴.

گفتار سوم

چه باید کرد؟
پ . . .

این گفتار را با نقل بخشی از مقاله‌ی ارزشمند «واقعه‌ی آرماگدون، غرب و پیشگویی‌های پیش از ظهور» آغاز می‌کنیم:

«... مؤسسات دینی انجیلی آمریکا و اروپا، آن چه را روان شناسان گفته‌اند در قضیه‌ی بازگشت دوباره‌ی مسیح به زمین پس از حادثه‌ی آرماگدون به کار بسته و به این گفته قائلند که بی گمان، امکان تحقق هر نوع پیش‌گویی در وهله‌ی نخست به ایمان مردم به آن و به پافشاری شان بر ضرورت به کرسی نشستن آن و همچنین به شمار نفرات آن‌ها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیش‌گویی را بر عهده دارند.»



(گذشته از مسیحیان) ما مسلمین هم با مسئله‌ی بزرگی مواجه هستیم که پیامبر ما حضرت محمد ﷺ و اهل بیت آن حضرت ﷺ از آن به ما خبر داده‌اند. این مسأله، پیش‌گویی صادقانه‌ای است که پاک شدن زمین از انواع ستم‌ها و گرفتاری‌ها و برپایی اسلام در ربع مسکون آن بدان بستگی دارد. پس سزاوار است که ما و فرزندانمان به خود آئیم و ایمانمان را به ظهور قائم آل محمد ﷺ عمق بیشتری بخشیده و پافشاری‌مان را بر لزوم تعجیل ظهور آن حضرت و نزدیک شدن وقوع آن ژرفا دهیم و چنان که سزاوار است شمار کسانی را که به این مسأله ایمان دارند و برای پیش‌باز

این ظهور شریف و حوادث پیش از آن آمادگی دارند فزونی ببخشیم.
نکات زیر پیشنهادهایی است برای وصول به این اهداف:

راهکارهایی برای یاد و ذکر امام عصر علیه السلام در جامعه

- ۱- این که تنها یک بار در سال و آن هم در جشن میلاد به حضرت حجّت علیه السلام توجه می شود کافی نیست.
- ۲- تلاش در جهت فراهم آوردن برنامه های هفتگی یا دو هفته یک بار شامل نشست ها و مصاحبه ها درباره ی امام مهدی علیه السلام، ظهور شریف آن حضرت و آن چه پیش از آن رخ خواهد داد.
- ۳- دعوت از دانشمندان و صاحبان اندیشه برای نگارش مقالاتی پیرامون این قضیه در روزنامه ها، مجلات و نشریات داخلی.
- ۴- استفاده از یک کانال فعال ماهواره ای برای برگزاری نشست ها و مصاحبه های روزانه و هفتگی به منظور ژرفا بخشیدن به ایمان نسل حاضر به ظهور قائم آل محمد علیهم السلام و آماده ساختن آنها برای پیش باز حادثه ی ظهور.
- ۵- بستن بیعت های دسته جمعی در دسته های مختلف که طی آن مردم با امام و رهبر خود حجّت بن الحسن علیه السلام بر سر کمک به آن حضرت و پیوستن به اردوگاه ایشان، پس از آگاهی از ظهورشان بیعت می کنند. این بیعت ها در مناسبت های مختلف بسته می شود هم چون هنگام ادای عمره و حج، ماه محرم، پانزدهم شعبان و سایر مناسبت های مربوط به معصومین علیهم السلام.
- ۶- بستن بیعت عمومی با حضرت حجّت علیه السلام در همه ی مناطق شیعه نشین و تعیین یک روز مخصوص برای آن در سال، به طوری که این بیعت



با محتوایی یکسان و در ساعتی واحد ادا شود.

۷ - تلاش به منظور فزونی بخشیدن به شمار مبلغان که نزدیک بودن ظهور حضرت حجّت علیه السلام را تبلیغ کنند و همچنین فزونی بخشیدن به شمار کسانی که به این مسأله ایمان دارند همراه با جهت دادن و توان فکری آنها در این راستا.

دیگران مجذبان به منظور ظهور مسیح تلاش می‌کنند و من از این می‌ترسم که زمان از ما پیشی بگیرد و ناگهان با آن حادثه‌ی عظیم روبرو شویم و نتوانیم کاری انجام دهیم و از کسانی باشیم که این فرموده‌ی خداوند متعال بر آنان منطبق است:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ *
وَقَالُوا امْتَا بِهٖ وَاَتَىٰ لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ»^۱

«و اگر تو حال مجرمان را مشاهده کنی، هنگامی که هراسان‌اند و از عذاب‌رهایی‌شان نباشد و از مکان نزدیکی گرفتارشان سازد، گویند اینک به حق ایمان آوردیم؛ اما با این همه دوری از مقام ایمان، کجا بدان مقام دست می‌یابند؟»^۲

به پیشنهادهای مذکور در مقاله‌ی فوق، می‌توان موارد زیر را اضافه کرد:

۸ - از آن جا که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در این زمانه، حجّت و خلیفه‌ی زنده‌ی پروردگار می‌باشند و منصب امامت و هدایت به این وجود شریف تعلق دارد؛ شایسته است فرد فرد مؤمنان مراتب معرفت، مودت و محبت خویش را به آن جناب روز به روز بالاتر ببرند و در

۱. سبا (۳۴): ۵۱ و ۵۲.

۲. واقعه‌ی آرماگدون، غرب و پیشگویی‌های پیش از ظهور، سایت موعود.



مشکلات و گرفتاری‌ها به آن جناب متوسل شوند و یقین داشته باشند که اعمال و عبادات، تنها و تنها با امضای آن بزرگوار مورد قبول و رضایت پروردگار قرار خواهد گرفت.

۹ - با توجه به پیام‌های مکرر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و نیز روایات معصومین علیهم‌السلام که شیعیان را مؤکداً به دعا برای تعجیل فرج فراخوانده و دعای آن‌ها را در زودتر فرا رسیدن زمان ظهور کاملاً مؤثر دانسته‌اند؛ مؤمنین و عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام باید از این وظیفه‌ی واجب غفلت ننمایند و با تشکیل مجالس دعا برای فرج، با سوز و آه و استغاثه و از صمیم قلب برای ظهور حضرتش دعا نمایند.

۱۰ - از آن جا که در غرب، مؤسسات دینی و شخصیت‌های مذهبی، رهبری حرکت «منجی‌گرایی» و بازگشت به معنویت را بر دوش گرفته‌اند، شایسته است مراجع تقلید و علمای حوزه‌های علمیه پیشتاز مباحث مهدویت و مشوق مردم به دعا برای ظهور و آشنایی با معارف مهدوی باشند.

۱۱ - دولت مردان کشورهای غربی و مؤسسات وابسته به آن‌ها از دهه‌ها سال قبل با تشکیل گروه‌های کارشناسی ویژه و مطالعه‌ی دقیق بر روی منابع تاریخی و متون دینی از جمله تورات، انجیل، کتب عهد عتیق، مکاشفات یوحنا و حتی پیش‌گویی‌های امثال نوستراداموس و... اطلاعات به دست آمده را در اتخاذ مواضع سیاسی در قبال سایر کشورها و تعیین خط مشی دیپلماسی خارجی خود مورد لحاظ قرار می‌دهند. حمله‌ی آمریکا به افغانستان و سپس به عراق و اشغال این کشور در این چارچوب قابل تحلیل است.

حمایت صهیونیست‌های مسیحی از بوش در انتخابات اخیر ریاست



جمهوری آمریکا و قول مساعد وی مبنی بر اینکه منطقه‌ی خاورمیانه را آماده‌ی بازگشت مسیح خواهد کرد و اختصاص پانصد میلیارد دلار به نبرد آرماگدون (نبرد آخر الزمان بنا به اعتقاد مسیحیان) در بودجه‌ی سال ۱۳۸۵ آمریکا در این راستا قابل توجه است. اخبار منابع روایی شیعه و کتاب‌های ملاحم و فتن در خصوص وقایع آخر الزمان می‌تواند به عنوان منبعی مهم برای شناخت بهتر حوادث فعلی جهان و تحلیل رفتار دولت‌های غربی مورد استفاده قرار گیرد.

۱۲ - صدا و سیما به عنوان یک ارگان تأثیرگذار می‌تواند در آشنا ساختن مردم به وظایف خویش در قبال امام عصر علیه السلام و متوجه کردن آنان به رویدادهای فعلی جهان نقشی بی‌بدیل ایفا کند. همان گونه که هالیوود تاکنون بیش از بیست فیلم سینمایی و یک صد کتاب در خصوص مباحث آخر الزمان عرضه کرده است.



۱۳ - اداره کنندگان هیئات مذهبی و ذاکران و مادحان اهل بیت علیهم السلام نقش مؤثری در شکل‌گیری فرهنگ دعا برای تعجیل ظهور منجی عالم بشریت دارند. باید توجه نمود که دعا برای فرج امام عصر علیه السلام با دعا برای یک مریض یا حاجات شخصی افراد تفاوت دارد. در همین یک دعا فرج عالم و آدم نهفته است. همه‌ی گرفتاری‌ها و مشکلات و از سوی دیگر مشکلات همگان را در برمی‌گیرد. درمان تمام دردها در ظهور حضرت حجت علیه السلام است. از این رو به هنگام جاری شدن اشک‌ها و شکستن دل‌ها باید برای ظهور امام عصر علیه السلام با تمام وجود دعا کرد.

۱۴ - اهل خطابه و منبر، سخن‌رانان مذهبی و تربیون‌داران عرصه‌های فکری و دینی باید این فرمایش امام مجتبی علیه السلام را مد نظر قرار دهند که:
«در منبرها به مردم بگویید و به آنان دستور دهید توبه نموده و



درباره‌ی تعجیل (حضرت) حجت علیه السلام دعا نمایید: دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای، از دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا کند.^۱

۱۵ - اهل قلم، نویسندگان و فعالان عرصه‌های فرهنگی و هنری باید

در این فرمایش حضرت سیدالشهدا علیه السلام تأمل کنند که:

«... مهدی ما علیه السلام در عصر خودش مظلوم است. تا می‌توانید درباره‌ی او سخن بگویید و قلم فرسایی کنید. آن چه درباره‌ی شخصیت این معصوم بگویید، درباره‌ی همه‌ی معصومین علیهم السلام گفته‌اید. چون حضرات معصومین علیهم السلام همه در عصمت، ولایت و امامت یکی هستند و چون عصر، عصر مهدی ما علیه السلام است سزاوار است درباره‌ی او مطالب گفته شود... مهدی علیه السلام مظلوم است. بیش از آن چه نوشته و گفته شده، باید درباره‌اش نوشت و گفت.»^۲

آیا می‌دانید درباره‌ی افلاطون هزاران عنوان کتاب نوشته شده است؟ در مورد گاندی که فقط متعلق به یک فرهنگ و یک ملت است و هنوز یک قرن هم از مرگش نگذشته است هزاران کتاب به رشته‌ی تحریر در آمده است؟ می‌دانید وقتی اینستین نظریه‌ی نسبیت را مطرح کرد در ظرف چند سال هزاران مقاله و کتاب فقط در این مورد خاص به نگارش درآمد؟ تحقیق کنید که راجع به حضرت ولی عصر علیه السلام تاکنون چندین عنوان کتاب تألیف شده است؟ بگذریم که برخی عناوین، ترجمه و تلخیص کتاب‌های دیگر می‌باشد.

۱. مکیال المکارم ۱: ۴۳۸.

۲- صحیفه مهدیه: ۵۹.

آیا حقّ امام عصر علیه السلام در این مورد ادا شده است؟ در حالی که ایشان منجی عالم بشریت و موعود همه‌ی ادیان و مشترک میان تمام مذاهب و اقوام جهان است و از هزاران سال پیش، ادیان آسمانی به آمدنش نوید داده‌اند.

۱۶- اگر چه در حال حاضر چندین مجله‌ی تخصصی راجع به موضوع انتظار و بارویکرد مهدوی در کشور منتشر می‌شود؛ اما در میان سایر روزنامه‌ها و مجلات کم‌تر به مباحث مهدویت پرداخته می‌شود.

بدین جهت که نقش تبلیغات در ابلاغ پیام به افراد و گروه‌ها به ویژه در دنیای امروز انکارناپذیر است و ابزارهای تبلیغی نیز بسیار گسترده و متنوع است، سزاوار است فعالان این عرصه‌ها نیز حداقل بخشی از توان و امکانات خویش را به موضوعات مربوط به امام عصر علیه السلام اختصاص دهند و از برکات این عمل و عنایات خاصّ حضرتش برخوردار شوند.

۱۷- با توجه به وجود هزاران مسجد در سراسر کشور، ائمه‌ی محترم جماعات می‌توانند در یاری رساندن به امام عصر علیه السلام نقشی مهم ایفا کنند. هر روز پس از نمازهای واجب و مناسبت‌های خاص هم چون ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، محرم، صفر، اعیاد و سایر مناسبت‌های مذهبی فرصت‌هایی بسیار مغتنم برای دعا جهت تعجیل فرج امام عصر علیه السلام است.

۱۸- همه‌ی محبّین اهل بیت علیهم السلام و به ویژه اغنیای شیعه باید به اهمیت موضوع تبلیغ برای امام عصر علیه السلام واقف شوند و بدانند یکی از مؤثرترین راه‌ها برای تقرّب به آستان مقدّس حضرت صاحب الزّمان علیه السلام بذل مال در راستای اهداف ایشان است.

بر کسی پوشیده نیست که امروزه دشمنان مذهب تشیع با صرف مبالغ هنگفت به دایر نمودن مراکز تبلیغی در سراسر جهان برای ترویج مذهب



باطل خویش همت گمارده‌اند. هم اینک هزاران سایت ضد شیعی از طریق اینترنت به نشر مطالب مغرضانه علیه تفکرات و معارف شیعی مشغولند و برخی از آن‌ها که به فرقه‌های منحرفی همچون بهائیت تعلق دارد مستقیماً وجود حضرت ولی عصر علیه السلام را هدف قرار می‌دهند.

تأسف‌بار است که ما این وظیفه‌ی مهم را (حتی در میان شیعیان) به فراموشی سپرده‌ایم. یقیناً با تبلیغ و ترویج اهداف متعالی آن حضرت، ارزش وجودی ایشان و برکات مادی و معنوی ظهور برای مردم آشکار شده و یکی از زمینه‌های اصلی قیام آن حضرت که آمادگی، خواست و دعای مردم است محقق می‌گردد.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«خداوند متعال به زمین نظر انداخت و ما را برگزید و برای ما شیعیانی برگزید که یاری‌مان می‌کنند. از شادی ما شادمانند و در اندوه ما اندوهگین. آن‌ها اموال و جان‌شان را در راه ما فدا می‌کنند. آنان از ما هستند و کارشان با ما است.»^۱

در مورد عنایت متقابل امام عصر علیه السلام به دوستان و محبتان خویش نیز نمونه‌های فراوانی وجود دارد. به عنوان مثال یکی از شیعیان کویت، جهت ترویج و تقویت یاد امام عصر علیه السلام مبلغ بیست میلیون تومان به یکی از مؤسسه‌ها کمک کرده بود.

وی یک قطعه زمین بایر و کم ارزش در کویت داشت و پس از این جریان، وقتی به کشورش بازگشت زمین مذکور به علت واقع شدن در اتوبان، قیمت سرسام‌آوری پیدا کرده بود و سود بسیاری نصیب صاحبش ساخت.

۱. بحار الأنوار: ۲۸۷/۴۴.



۱۹ - هر کسی با هر مقام و مرتبه اجتماعی و با هر سطح سواد و در هر شغل و حرفه‌ای می‌تواند نام و یاد حضرت ولی عصر علیه السلام را زنده کند و دیگران را به مسیر مهرورزی به امام علیه السلام و ارتباط با آن حضرت بکشانند. راننده‌ای که در مسیر محل کار تا منزلش، همشهریان خود را به ویژه در روزهای سرد و یا مواقع شلوغی، سوار می‌کند و به جای کرایه از آنان می‌خواهد که برای سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام صلوات بفرستند.

کارمندی که می‌گفت برخی ارباب رجوع مرا، بیماران و افراد مسن تشکیل می‌دهند و من برخی کارهای آنها از قبیل بردن نامه به دبیرخانه و گرفتن امضا و... را برایشان انجام می‌دهم و در عوض از آنها می‌خواهم برای امام عصر علیه السلام دعا کنند؛ دبیری که همیشه قبل از شروع کلاس درس، دعای فرج را با دانش‌آموزان خویش زمزمه می‌کند... در این راستا گام برمی‌دارند.

می‌دانید اگر یک استاد دانشگاه راجع به حضرت بقیة الله علیه السلام با دانشجویانش سخن بگوید چه تأثیری در آنها خواهد گذاشت؟ عاشقی را می‌شناسم که می‌گفت: گاه به قبرستان مسلمین می‌روم و برای اموات، فاتحه و صلوات نثار می‌کنم و از آنها می‌خواهم برای تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند.

اگر کسی هنری دارد مثلاً خوشنویس است می‌تواند یک یا چند اثر برجسته راجع به امام عصر علیه السلام بنویسد و یا اگر طراح است در موضوعات مرتبط با ایشان طرح‌های زیبا بکشد و یا اگر شاعر است شعری محکم و مؤثر بسراید و اگر نویسنده است کتابی در این باره بنویسد و ده‌ها مثال از این قبیل که ذکر آنها به درازا می‌انجامد.



به هر حال هیچ صنف و گروه و طایفه‌ای نیست که نتواند خود را با امام عصر علیه السلام پیوند بزند.

در حوالی قزوین شخص بزرگواری از عاشقان حضرت مهدی علیه السلام زندگی می‌کرد که چندی پیش به رحمت خدا رفت. او قطعه‌ای زمین کشاورزی، یک باغ و چند گوسفند داشت و در همین باغ خود روزگار می‌گذرانید.

سعی او بر این بود که از هر راهی شده، مردم را عاشق و دلناخته‌ی حضرت بقیة الله علیه السلام نماید. نقل می‌کنند که او شیر، ماست و پنیر این گوسفندان را برای همسایگان می‌برد و رایگان در اختیار آنها قرار می‌داد و فقط می‌گفت برای حضرت ولی عصر علیه السلام دعا کنید.^۱

۲۰- همان گونه که موقوفات و نذورات برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام و قمر بنی هاشم علیه السلام و سایر معصومین زیاد است؛ دلدادگان آل الله علیه السلام باید بیش از گذشته به نام امام عصر علیه السلام و برای ایشان مراکزی را وقف و یا احداث نمایند و از این طریق معارف مربوط به امام علیه السلام را ترویج نمایند و مؤمنین را به منظور دعا برای تعجیل ظهور، در این مراکز گرد یک‌دیگر جمع کنند.

۲۱- در حالی که برای برخی مناسبت‌ها هم چون «درخت کاری» روز و یا هفته‌ای اعلام شده است آیا سزاوار نیست در این مملکتی که به نام مملکت امام زمان علیه السلام است دهه‌ای به نام «دهه‌ی انتظار»، «دهه‌ی مهدویت» و یا ... نام‌گذاری و تصویب شود؟ (به عنوان مثال از پنجم شعبان تا پانزدهم شعبان).

۱. توجه به حضرت ولی عصر علیه السلام: ۱۱۳.

۲۲ - گردانندگان مسجد مقدّس جمکران وظیفه‌ای خطیر و مضاعف دارند. باید قدر این پتانسیل عظیم معنوی که با عنایت خود آن بزرگوار ایجاد شده است را به خوبی دانست و با شیوه‌های مختلف و از راه‌های گوناگون، غربت و مظلومیت امام زمان علیه السلام و انتظارات ایشان از شیعیان و محبّان خویش را برای صدها هزار عاشقی که هر هفته و از راه‌های دور و نزدیک به عشق آن یگانه‌ی دوران به این مسجد می‌آیند تشریح کرد. باید فضای غالب در مسجد جمکران، فضای دعا برای ظهور و خاتمه یافتن دردها و رنج‌های امام عصر علیه السلام باشد.

۲۳ - برخی مناسبت‌ها هم‌چون «نهم ربیع الاول» که ایام شادی و سرور شیعیان و سالروز آغاز امامت آن امام غریب است، فرصتی بسیار مغتنم برای طرح مباحث مربوط به امامت در جامعه‌ی شیعه است.

۲۴ - حتماً شما نیز گویندگانی را دیده‌اید که سخنان خویش را با دعای فرج و یا اشعاری در فراق امام عصر علیه السلام آغاز می‌کنند. این شیوه می‌تواند الگویی برای سخنرانان، نویسندگان، ذاکران و تمامی کسانی باشد که به نحوی با افکار عمومی در تماس هستند.

۲۵ - به لطف خدا در سالیان اخیر، توجه شیعیان در مراسم حج (اعم از تمتع و عمره) به امام زمان علیه السلام بیشتر شده است. مسئولین و روحانیان کاروان‌ها و نیز سازمان حج و زیارت می‌توانند در شکل‌گیری فرهنگ دعا برای امام عصر علیه السلام در ایام حج و به جای آوردن اعمال به نیابت از آن حضرت توسط حجاج مؤثر باشند.

۲۶ - وزارت ارشاد می‌تواند جشنواره‌های کتاب، مطبوعات، فیلم، شعر، نقاشی، خوشنویسی و ... راجع به امام عصر علیه السلام را طراحي و حمایت و از آثار برگزیده تجلیل نماید و به مؤلفان، ناشران و فعالان عرصه‌ی



مهدوی نگاه ویژه داشته باشد.

۲۷- گفته شد صدا و سیما به عنوان فراگیرترین و پرمخاطب‌ترین رسانه‌ی کشور به منظور ادای دین خویش به ساحت مقدس فرمان فرمای عالم امکان و در راستای آشنا سازی مردم با معارف مهدوی می‌تواند از راه‌های گوناگون اقدام نماید:

- اختصاص یک شبکه‌ی تلویزیونی ویژه‌ی امام عصر علیه السلام.

- سفارش، تولید و پخش محصولات سینمایی، داستانی، انیمیشن و ... از زندگی حضرت بقیة الله علیه السلام و یا موضوعات مرتبط با مهدویت. (به عنوان مثال داستان ولادت امام عصر علیه السلام از جذّاب‌ترین سوژه‌ها برای فیلم سازان و همچنین مخاطبان خواهد بود و می‌تواند در کشورهای اروپایی و در میان مسیحیان نیز به نمایش گذاشته شود؛ زیرا مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت نرجس علیه السلام از شاه‌زاده‌های روم و نوادگان یکی از حواریون حضرت عیسی علیه السلام بودند.)

- ارائه‌ی گزارش از مکان‌هایی که در داخل و خارج از کشور به نام امام عصر علیه السلام و در راه تبلیغ و ترویج ایشان فعالیت می‌کنند.

- تهیه‌ی گزارش از سایر نقاط و مذاهب جهان و تشریح روند روز افزون اقبال جهانیان به مباحث آخرالزمانی و منجی نهایی.

- برگزاری نشست‌ها و میزگردها با حضور کارشناسان مجرب.

- رصد کردن فعالیت کمپانی‌های فیلم سازی غربی و مقابله با تهاجم رسانه‌ای آن‌ها که «مهدویت شیعی» را هدف قرار می‌دهند.

۲۸- آنان که با شبکه جهانی اینترنت آشنا هستند می‌دانند که دشمنان شیعه به ویژه وهابیان و بهائیت به شدت مشغول فعالیت علیه مبانی تشیع و به ویژه امام عصر علیه السلام می‌باشند. مؤسسات و یا افرادی که توان علمی و



عملی و امکانات لازم را دارند باید در این عرصه نیز به دفاع از تمامیت شیعه پردازند.

۲۹- هر سازمان، ارگان و جمعیتی می‌تواند با بررسی وضعیت و امکانات خویش و در حوزه‌ی کاری خود در راه یاری رساندن به امام عصر علیه السلام حرکت نماید.

۳۰- علی‌رغم بازنگری‌های متعددی که ظرف یک دهه‌ی گذشته در محتوای کتاب‌های درسی صورت گرفته است، متأسفانه هنوز جای معارف مهدوی در کتاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌های ما به شدت خالی است. گنجاندن این مباحث در متون آموزشی باید در دستور کار وزارت‌خانه‌های مربوطه قرار گیرد.



سرود غربت

به نام رب مهدی لب گشایم
 سخن از غربت مهدی زهراست
 غم مهدی غمی جان کاه باشد
 کجا یوسف چنین زندان کشیده
 شکیبایی از او شرمنده گشته
 زند آیوب زانو محضر او
 هزار و یک صد و هفتاد سال است
 فدای غربتش یاور ندارد
 از او مظلوم تر در این جهان کیست^۱
 به غیبت سوز و اشک و آه دارد
 تو گویی خار در چشمش نشسته
 قسم بر صورت زهرا که نیلی ست
 در این غم اشک آل الله جاری است
 غریب و یگه و تنهاست مهدی
 به مهدی عرصه‌ی عالم چوتنگ است
 همه در عالم ذر عهد بستیم
 همه کردیم مهدی را فراموش
 به مهدی ظلم‌ها بسیار کردیم
 به سینه سوز هجرانش نداریم
 ولی اندوه ما بر او گران است
 سرود غربتش را می‌سراییم
 سخن از بی وفایی من و ماست
 از آن کم‌تر کسی آگاه باشد
 کجا یعقوب این هجران کشیده
 ز غم جان و دلش آکنده گشته
 بیاموزد صبوری در بر او
 که می‌داند که مولا در چه حال است؟
 به این غربت کسی باور ندارد
 ز گنه غربتش کس با خبر نیست
 چو جد خویش سر در چاه دارد
 دلش از غفلت شیعه شکسته
 به رخساری که آزرده زسیلی است
 حدیث قرن‌ها چشم‌انتظاری است
 کجا شد شیعیان پس رسم مردی؟!
 چنین غفلت برای شیعه ننگ است
 ولیکن عهد خود با او شکستیم
 رسد هل من معین همواره بر گوش
 به او رفتار چون اغیار کردیم
 خبر از اشک چشمانش نداریم
 دعاگوی تمام شیعیان است



۱. آن حضرت، خود به مرحوم حاج سید اسماعیل شرفی فرمودند: «من مظلوم‌ترین فرد عالم

هستم.» (صحیفه‌ی مهدیه: ۵۸)

بیا هجرت کنیم اینک به کوش
 زرنج غربتش یادی نمایم
 بیا زهرای اطهر شاد سازیم
 پس از عمری که دنبال سرابیم
 که مهدی چشمه‌ی آب حیات است
 دهر قطب روزگار اوست
 به یمن اوست نازل گشته باران
 قرار آسمان‌ها و زمین است
 به جسم مرده‌ی عالم چو جان است
 حسین بن علی در این زمان اوست
 هر آن کس معرفت بر او ندارد
 خوش آن روزی که مولا باز گردد
 خدایا پرچمش را باز گردان
 به حق مادرش زهرای اطهر
 به شام و کوفه‌ی غم بار زینب
 دگر اصلاح کن امر فرج را
 غم مهدی مگر پایان ندارد؟
 خداوندا ظهورش دیر گردید
 مهیا کن تو اسباب ظهورش
 خدایا دشمنانش خوار فرما
 بیا ای مظهر عدل خدایی
 بیا مولا جهان پر شد ز بیداد
 به قربان تو و صبر عجیبت

رویم «العفو» گویان روبه سویش
 امام خویش را یاری نمایم
 ز زندان یوسفش آزاد سازیم
 بیا چون «حر» به درگاهش شتابیم
 سبیل الله کشتی نجات است مدار
 در این دوران ولی کردگار اوست
 مطیع اوست خورشید درخشان
 چو احمد رحمة للعالمین است
 پدر بر جمله‌ی خلق جهان است
 ولی امر بر خلق جهان اوست
 به راه جاهلیت پاگذارد
 «انا المهدی» طنین انداز گردد
 به زهرا یوسفش را باز گردان
 به خون فرق اکبر حلق اصغر
 وداع آخر دلدار زینب
 عیان کن بر جهان ختم حجج را
 سحر آیا شب هجران ندارد؟
 بسا عاشق در این ره پیر گردید
 منور کن تو گیتی را ز نورش
 ذلیل و جمله بی مقدار فرما
 که تا پایان پذیرد این جدایی
 ز ظلم ظالمان فریاد فریاد
 بخوان آن آخرین امن یجیبت

بیا غیر از تو ما منجی نداریم
 پس از حیدر عدالت رخت بر بست
 بسیاور ذوالفقار حسیدری را
 بسیا ما را سعادت‌مند گردان
 همه عالم فدای تار مویت
 امید فاطمه برگرد برگرد

اگر آیی دگر رنجی نداریم
 بسیا برگیر تیغش در کف دست
 ز بن برکن مرام خبتری^۱ را
 رها از هر چه قید و بند گردان
 نگاه عالمی باشد به سویت
 به هستی قائمه برگرد برگرد



۱. حبتر، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الاهی است. (صحیفه‌ی مهدیه: ۲۳ به نقل از بحار الأنوار ۳۵: ۳۳۶)